

IRANA ESPERANTISTO

REA
Irana Esperanto-Asocio

سپرنديشان

پيام

Kultura sezono-revuo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda
N-ro: 51, Dua Serio, Aŭtuno 2024

فصلنامه‌ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی
شماره ۵۱، دوره دوم، پاییز ۱۴۰۳





Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 51, Aŭtuno 2024

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد



فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۴۰۳
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و مآخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

Plejofte uzataj mallongigoj

- AOK: Azia Oceania Kongreso
- ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
- IrEA: Irana Esperanto-Asocio
- IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
- IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
- IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
- KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado
- UEA: Universala Esperanto Asocio
- UK: Universala Kongreso
- UN: Unuiĝintaj Nacioj
- VK: Virtuala Kongreso

Kontribuantoj:

Shler Karimi * Ma'sume Mirzai * Keyhan Sayadpour *
Hamzeh Shafiee * Nazi Solat * Salah Mohammadpour * Ali-
reza Hosseini * Ian Fantom

Reviziantoj:

Mohammad Javad Bayat * Nayyere Ebrahimpour * Simin
Emrani * Shler Karimi * Ahmadreza Mamduhi * Ali Moradi
* Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Nazi Solat

Kovrila Paĝo:

Propono de AI por kovrilpaĝo kun foto de la seminario
pri Esperanto en Islama Azad Universitato

Lasta Paĝo:

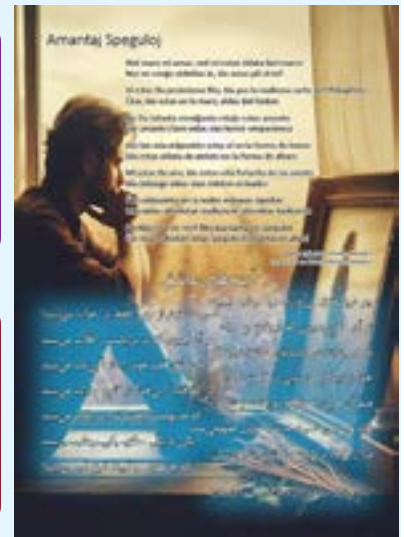
Amantaj Speguloj - Poemo de Ing. Alireza Hosseini

طرح روی جلد:

طرح پیشنهادی هوش مصنوعی برای شماره پاییز به همراه تصویری از
سمینار معرفی اسپرانتو در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

طرح پشت جلد:

آینه‌های عاشق، شعری از مهندس علیرضا حسینی



En ĉi tiu numero:

در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Novaĵoj
- 6 Raporto Pri E-seminario
Hamzeh Shafiee
- 7 70-a datreveno de Unesko-Rezolu-
cio
- 12 Ĉu BRICS revivigos la spriton
de Montevideo? (Ian Fantom)
- 17 E-o Eventoj Venont-jare
- 18 Sekvencoj de Unesco-Rezolucio
Hamzeh Shafiee
- 20 Pri elekto de IrEA-Komitato
- 21 Konkurso pri ideoj
- 25 Solidara kampanjo
Tradukis: Hamzeh Shafiee
- 26 Nia speciala privata postkongreso
Emma Breuning
- 30 Kiel formanĝi plaston?
Tradukis: Ma'sume Mirzai
- 32 Paĝoj en la Kurda Lingvo
Shler Karimi
- 38 Paĝoj en la Araba Lingvo
D-ro Keyhan Sayadpour
- 40 Amantaj Speguloj - Ing. Hosseini
Tradukis: Salah Mohammadpour



- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 اخبار
- 6 گزارش سمینار اسپرانتو در دانشگاه آزاد
حمزه شفیعی
- 7 ویژه هفتادمین سالگرد قطعنامه یونسکو
- 12 آیا بریکس روح مونته‌ویدئو را زنده می‌کند؟
یان فانتم
- 17 همایش‌های اسپرانتو در سال آتی
- 18 درباره قطعنامه ۱۹۵۴ یونسکو
حمزه شفیعی
- 20 اطلاعیه انتخابات هیئت مدیره
- 21 مسابقه ایده برای گسترش اسپرانتو
- 22 گزارشی از همایش جهانی اسپرانتو در آفریقا
ترجمه: نازی صولت
- 25 همبستگی اسپرانتودانان
ترجمه: حمزه شفیعی
- 30 چگونه پلاستیک‌ها از بین بروند؟
ترجمه: معصومه میرزایی
- 32 صفحات کردی
شهر کریمی
- 38 صفحات عربی
کیهان صیادپور
- 40 شعر آینه‌های عشق از مهندس حسینی

Antaŭ ĉio...

Ni prezentas la 51-an numeron de la dua periodo de la revuo "Irana Esperantisto" al niaj karaj legantoj. En ĉi tiu numero, kiu traktas la ĉeftemon de la 70-a datreveno de la eldono de la unua rezolucio de Unesko apoge al Esperanto, krom artikoloj pri ĉi tiu afero, ni ankaŭ preparis artikolojn por vi pri diversaj aliaj temoj.

La ĉi-jara fruktodona sezono de internaciaj Esperanto-kunvenoj kaj renkontiĝoj (UK, ILEI-Kongreso, IJK, VK,...) finiĝis. Pri la Universala Kongreso de Esperanto en Arusha, Tanzanio, legu interesan raporton kun persa traduko sur paĝoj 22 ĝis 29.

La elekto de membroj de la asocia komitato por la trijara periodo 2025-2027 okazos ĝis la fino de ĉi tiu jaro. Ĉi-rilate ni atentigas vin pri la anonco sur paĝo 20 kaj invitas ĉiujn asocianojn aktive partopreni en tiu ĉi afero.

Neniu speciala temo estis pripensita por la venonta numero, do ni atendas, ke viaj artikoloj estu ricevitaj por aperigi en la revuo en iu ajn kampo rilata al la difinita tereno de la revuo.

Ni deziras al vi feliĉajn kaj sukcesajn tagojn. Ĝis la venonta numero!

Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

پنجاه و یکمین شماره از دوره دوم مجله سبزاندیشان را تقدیم حضور خوانندگان محترم می‌کنیم. در این شماره که به موضوع اصلی هفتادمین سالگرد صدور اولین قطعنامه یونسکو در حمایت از اسپرانتو پرداخته است علاوه بر مقالاتی در این مورد، موضوعات مختلف و متنوع دیگری را نیز برایتان تدارک دیده‌ایم.

فصل پربار همایش‌ها و نشست‌های بین‌المللی اسپرانتوی امسال هم به پایان رسید. در رابطه با کنگره جهانی اسپرانتو در آروشای تانزانیا یک گزارش خواندنی و جالب با ترجمه فارسی را در صفحات ۲۲ تا ۲۹ بخوانید.

انتخاب اعضای کمیته انجمن برای دوره سه‌ساله ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۶ تا پایان سال جاری برگزار خواهد شد. در این رابطه توجه شما را به اطلاعیه مندرج در صفحه ۲۰ جلب نموده و همه اعضای انجمن را به مشارکت فعال در این خصوص دعوت می‌کنیم.

برای شماره بعدی موضوع ویژه‌ای در نظر گرفته نشده است، بنابراین منتظر مقالات و نظرات شما برای درج در مجله در هر زمینه‌ای که مرتبط با حیطه تعیین شده مجله باشد هستیم.

برایتان ایامی شاد و سرشار از موفقیت آرزومندیم. تا شماره بعد!

حمزه شفیع

دوستان گرامی،

سرکار خانم نازی صولت، رئیس سابق انجمن اسپرانتوی ایران و از یاوران همیشگی و همراهان در تهیه مقالات و ویرایش و بازبینی مجله هستند. یکی از دوستان قدیمی و همکار سابق ایشان بعد از انتشار هر شماره از نشریه، دیدگاه و نظر خود را درباره آن شماره در چند سطر مرقوم می‌فرمایند که موجب خرسندی و امتنان است. ضمن تشکر ویژه از ایشان، در زیر نظر این خواننده گرامی درباره دو شماره گذشته مجله برایتان می‌آوریم. امید که سایر خوانندگان نیز نظرات و پیشنهادات خود را درباره مجله با دیگران به اشتراک بگذارند.

با درود،

بخشهای فارسی فصلنامه سبز اندیشان را مطالعه کردم. بابت تداوم انتشار تا شماره پنجاه فصلنامه باید به همه کسانی که تلاش کرده‌اند تیریک گفت مطالب جالبی مطرح شده است از جمله بحث تبعیض زبانی و یا پیشنهاد بکارگیری اسپرانتو در ارتباطات بین المللی کشورهای عضو بریکس.



به برتری‌های اسپرانتو نسبت به سایر زبان‌ها از جنبه‌های صرف هزینه و زمان لازم برای یادگیری اشاره شده بود و به پاره‌ای آمار در دسترس استناد شده که بسیار تاثیرگذار است.

بخش کردی هم مثل همیشه هم از نظر محتوا و هم برای من از نظر نگارش بسیار مفید بود. سپاس فراوان برای تلاش سرکار خانم کریمی گرامی.

به قلم شما (نازی صولت) مطلبی در این شماره ندیدم، امیدوارم که در شماره‌های بعدی شاهد آثار قلمی شما هم باشم.

برای همه کسانی که جهت تداوم انتشار این فصلنامه ارزشمند تلاش می‌کنند تندرستی و موفقیت روزافزون آرزو می‌کنم.

با درود فراوان،

فصلنامه سبزاندیشان شماره ۴۹ را در پایان هفته و دیروز مطالعه کردم. این شماره را نسبت به شماره پیشین جالبتر یافتم.

سخنرانی در مخالفت با سلطه انگلیسی، درس عبرتی برای غافلان، پیام سازمان جهانی اسپرانتو در رابطه با تبعیض زبانی همگی آگاهی‌بخش و مفید بود.

انتشار آثار ترجمه نوآموزان (و احتمالاً

جوانان) گامی مهم در تعالی فصلنامه خواهد بود و امیدوارم که پیوسته ادامه یابد.

"در روستای من" ترجمه معصومه صالحی که از نوآموزان زبان اسپرانتو است نمونه امیدبخشی است.

بخش کردی این شماره را هم به جهت تاریخی و هم به جهت کیفیت ترجمه بسیار پسندیدم. برای سرکار خانم کریمی موفقیت روز افزون و تندرستی آرزو می‌کنم و امیدوارم که شاهد خلق آثاری ماندگار چه به صورت ترجمه و چه در شکل تالیف با این قلم بسیار شیوای کردی ایشان باشیم.

مقاله "جنگل حوزه کنگو" در جهت آگاهی رسانی و توجه دادن به ادامه حفظ حیات همه جانبه بسیار عالی بود.

سرفرازی و شادی روزافزون برایتان آرزو می‌کنم.



چند خبر کوتاه

* پنجمین همایش بین‌المللی مجازی اسپرانتو (VK) با شرکت بیش از هزار نفر از ۸۹ کشور جهان در تاریخ‌های هشتم تا یازدهم آذرماه برگزار شد. در این همایش در کنار نمایشگاه مجازی جنبش اسپرانتو (Virtuala Movada Foiro - ViMF) ده‌ها برنامه سخنرانی با موضوعات مختلف ارائه شد. علاوه بر آن، پیک روزانه همایش با نام «شعله اسپرانتو» همه روزه و حتی پس از پایان همایش در هفت شماره منتشر شد.

* در پی تغییر تاریخ برگزاری همایش جهانی اسپرانتو (از تاریخ قبلاً اعلام شده به ۴ الی ۱۱ مرداد ۱۴۰۴) زمان برگزاری «همایش جهانی جوانان» و همچنین «همایش جهانی آموزگاران اسپرانتودان» به منظور عدم تداخل و نیز فراهم آوردن امکان شرکت علاقه‌مندان به حضور در چند همایش تغییر یافت. بر اساس اطلاعیه‌های منتشر شده، دو همایش مذکور به ترتیب در تاریخ‌های ۱۸ تا ۲۵ مرداد و ۲۹ تیر تا ۵ مرداد ۱۴۰۴ برگزار خواهند شد.

* روز یکشنبه ۱۵ مهرماه سمیناری به منظور معرفی زبان بین‌المللی اسپرانتو در محل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران برگزار شد. در این سمینار سخنرانانی از داخل و خارج از کشور به معرفی اسپرانتو و ویژگی‌های آن برای دانشجویان پرداختند. گزارش این سمینار در صفحه ۶ همین شماره آمده است.

* جناب آقای اکبر صداقت، اسپرانتودان با سابقه و از دوستان قدیمی نشریه، مبلغ چهارصد هزار تومان در تاریخ ۲۶ مهرماه به انجمن اهدا نمودند. همچنین کمک‌های سرکار خانم حشمت فرجی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های انجمن به مبلغ ماهیانه ده میلیون تومان به طور مستمر اهدا می‌شود.

* دوازدهمین همایش اسپرانتوی ایران طبق هماهنگی‌های انجام گرفته تاکنون در اردیبهشت ماه سال آینده و در دو بخش حضوری و مجازی برگزار خواهد شد. در نظر است چنانچه شرایط مهیا باشد سیزدهمین گردهمایی اسپرانتوی خاورمیانه نیز همزمان با همایش اسپرانتوی ایران در تهران برگزار شود.

* آقای فردوس شوکورف (Firdaŭs Ŝukurov) ریاضی‌دان و اسپرانتودان سرشناس و فعال تاجیک، بنیان‌گذار و رئیس انجمن اسپرانتوی تاجیکستان در تاریخ ۱۱ آذرماه در پی یک دوره بیماری درگذشت. روحش شاد و یادش گرامی.

برای عضویت و یا تمدید عضویت در انجمن جهانی اسپرانتو در سال ۲۰۲۵ از هم اکنون اقدام نمایید.

— nia renkontiĝejo

Kiel membro de UEA, vi

- ✓ kontribuas al la tutmonda kresko de Esperanto
- ✓ plifortigas la voĉon de la lingvo kaj movado
- ✓ kunaktivis por Esperanto kaj lingva diverseco

Konkrete, UEA provizas vin per revuoj, libroservo, kongresoj, tutmondaj kontaktoj, retaj kaj kulturaj servoj kaj multe pli.

Membriĝu mem en UEA!

Renkontiĝu kun ni... en UNIVERSALA ESPERANTO-ASOCIO.

Seminario por prezenti Esperanton en la Scienca kaj Esplora Branĉo de la Islama Azad Universitato

Dimanĉe, la 6-an de oktobro 2024, okazis seminario pri enkonduko al la internacia lingvo Esperanto en la Scienca kaj Esplora Unuo de la Islama Azad-Universitato en Tehrano. La evento estis organizita de la Studenta-Klubo de la universitato kaj altiris multajn studentojn kaj profesorojn interesitajn pri lingvoj kaj internacia komunikado.

La programon malfermis profesoro Renato Corsetti. Post la malfermo, prelegis Ahmadreza Mamduhi kun la titolo “Esperanto, la plej facila kaj plej vaste parolata lingvo en la mondo”.

La tria preleganto de la evento estis Prof. Francesco Maurelli. La titolo de lia prelego estis “Miaj Vojaĝoj en Esperantujo”.

En la programo estis antaŭvidita prelego de Emilio Cid pri “Esperanto, Neŭtrala Lingvo por BRICS”. Tiu ĉi programero ne okazis pro la problemo flanke de la organizantoj de la seminario - ni esperas, ke en alia okazo ni utiligu lian interesan prelegon.

S-ro Cicero Carlos Oliveira da Silva duonhore parolis pri “Esperanto kaj mia vivo”.

Antaŭlasta preleganto de la programo estis d-ro Moĝtaba/Omid Rohanian, irana ĉefesploristo en la kampo de natura lingvopretigo kaj maŝinlernado ĉe la Universitato de Oksfordo en Britio. La titolo de lia prelego estis “Mi kaj Esperanto: De Konatiĝo ĝis Hodiaŭ”.

La lasta preleganto de la evento, Luis Obando rakontis al la studentoj pri Esperanto en lia vivo.

La seminario estis tre sukcesa kaj inspiris multajn partoprenantojn lerni pli pri Esperanto kaj ĝia potencialo kiel internacia lingvo. La organizantoj planas okazigi pliajn eventojn kaj se eble kursojn por subteni la lernadon kaj uzadon de Esperanto en la universitato.



در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴، جامعه اسپرانتو هفتادمین سالگرد قطعنامه مونته‌ویدئو را جشن می‌گیرد، نقطه عطف مهمی که اولین به رسمیت شناختن رسمی اسپرانتو توسط یونسکو را رقم زد. این قطعنامه که در سال ۱۹۵۴ در خلال کنفرانس عمومی یونسکو در مونته‌ویدئو، اروگوئه پذیرفته شد، با اذعان به اینکه دستاوردهای جنبش اسپرانتو با اهداف و آرمان‌های یونسکو سازگار است، به مدیر کل یونسکو توصیه کرد که توسعه استفاده از زبان اسپرانتو را دنبال کند.

این موفقیت نتیجه تلاش‌های پیگیر انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) و سایر سازمان‌های اسپرانتیست بود که چهار سال قبل طوماری را با امضای تقریباً ۹۰۰۰۰۰ نفر و نمایندگانی از حدود ۵۰۰ سازمان به سازمان ملل ارائه کردند و از سازمان ملل خواستند که درباره «مشکل زبان در سراسر جهان و نقش احتمالی اسپرانتو در راه حل عادلانه آن» تحقیق کند. این طومار برای بررسی به یونسکو تحویل داده شد و نتیجه آن قطعنامه‌ای نه چندان رادیکال اما تاریخی بود که به جنبش اسپرانتو در یونسکو جایگاه رسمی و مشورتی داد.

برای جشن گرفتن این سالگرد، و تحت نظارت سازمان جهانی اسپرانتو (UEA)، سازمان جهانی جوانان اسپرانتودان (TEJO)، اتحادیه جهانی آموزگاران اسپرانتودان (ILEI) و انجمن اسپرانتو اروگوئه، کمیسیونی متشکل از اسپرانتیست‌های محلی و نمایندگان موسسات مختلف در آمریکا تشکیل شد. این کمیسیون در حال حاضر در تلاش برای سازماندهی یک کنفرانس بین‌المللی است که در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴، از ساعت ۹:۰۰ به وقت محلی، در کاخ قانونگذاری (مجلس پارلمان) مونته‌ویدئو، همان مکانی که قطعنامه در سال ۱۹۵۴ پذیرفته شد، برگزار می‌شود.

این جشن شامل سخنرانی‌ها و ارائه‌های حضوری و آنلاین، نمایشگاه فیلم‌های مستند و اجراهای هنری خواهد بود. شرکت در این رویداد برای عموم آزاد خواهد بود و همه می‌توانند به صورت حضوری یا به صورت آنلاین در آن شرکت کنند.

ویژه هفتادمین سالگرد قطعنامه مونته‌ویدئو



پیام رناتو کورستی به مناسبت هفتادمین سالگرد قطعنامه یونسکو



بسیاری از شما نمی‌توانید اتفاقاتی را که قبل از تولدتان رخ داده است به یاد بیاورید، اما در سال ۱۹۵۴ در مونته‌ویدئو، مجمع عمومی یونسکو، یعنی نمایندگان همه کشورهای عضو، قطعنامه‌ای را پذیرفتند که طبق آن اسپرانتو چیزی ارزشمند است و یونسکو باید توسعه آن را دنبال کند. پس از آن پیروزی نهایی نزدیک به نظر می‌رسید، اما فقط یک پیروزی جزئی بسیار ارزشمند بود که تأثیرات آن تا امروز ادامه دارد: روابط مشورتی و سپس روابط رسمی بین UEA و یونسکو، انتشار پیام یونسکو به زبان اسپرانتو و غیره. همچنین این مدلی از همکاری جنبش بود که امروز هم باید دنبال شود: اسپرانتیست‌ها میلیون‌ها امضا برای اسپرانتو جمع‌آوری کردند، که سازمان ملل آن‌ها را به یونسکو تحویل داد، رئیس وقت UEA همه چیز را هماهنگ کرد و در طول مجمع عمومی، اروگوئه از آن حمایت کرد. انجمن ملی اسپرانتوی اروگوئه نقش مهمی ایفا کرد. بر این اساس نه تنها دکتر ایوو لاپنا (Ivo Lapenna) قهرمان مونته‌ویدئو بود، بلکه کل جنبش اسپرانتو قهرمانانه عمل کرد. اکنون برای یادآوری آن رویداد پس از ۷۰ سال، در دفتر خاطرات خود بنویسید که در ۱۰ دسامبر امسال از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۱۶:۰۰ به وقت UTC جلسه‌ای در پارلمان اروگوئه برگزار می‌شود که می‌توانید شخصاً در مونته‌ویدئو یا به صورت آنلاین از سراسر جهان در آن شرکت کنید. عنوان برنامه از این قرار است: «۷۰ سال همکاری: یونسکو و اسپرانتو برای حقوق زبانی بشر». این جلسه با حضور اعضای هیئت مدیره UEA برای روابط خارجی برگزار می‌شود.

Unesko kaj Esperanto: 70 jaroj da kunlaboro por lingvaj homaj rajtoj :

Internacia hibrida kunveno en la urugvajja parlamento en Montevideo, kie antaŭ 70 jaroj aprobiĝis la unua Unesko-Rezolucio pri kaj por Esperanto

Internacia Aŭto

decembro
10
mardo

09:00 - 13:00

Ameriko/Montevideo

15:30 - 19:30

Azio/Teherano

همایشی ویژه در مجلس اروگوئه در مونته‌ویدئو، جایی که ۷۰ سال قبل نخستین قطعنامه یونسکو درباره اسپرانتو به تصویب رسید. این همایش به صورت هیبرید (حضور و مجازی) برگزار می‌شود. اطلاعات دقیق‌تر در خصوص برنامه‌های ویژه هفتادمین سالگرد قطعنامه یونسکو را در آدرس زیر بیابید:

<https://eventaservo.org/e/Montevideo-70>



قطعه‌نامه‌های یونسکو درباره زبان اسپرانتو

قطعه‌نامه‌های یونسکو درباره زبان اسپرانتو اشاره به دو قطعه‌نامه یونسکو در ارتباط با زبان ابداعی و بین‌المللی اسپرانتو دارد، که در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۸۵ در کنفرانس‌های عمومی یونسکو در مونته‌ویدئو اروگوئه و صوفیه بلغارستان به تصویب رسیدند. این قطعه‌نامه‌ها در حمایت از اسپرانتو به عنوان یک زبان بین‌المللی جایگزین مطرح شد و به مدیر کل یونسکو نیز پیشنهاد اعمال یک تحول در استفاده از چنین زبانی را می‌دهد. قطعه‌نامه دوم پس از بازدید مدیر کل یونسکو از کنگره جهانی اسپرانتو در ایسلند به سال ۱۹۸۵، تصویب گردید که بر طبق آن کلیه دولت‌های عضو ترغیب به معرفی و آموزش اسپرانتو در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شوند. قطعه‌نامه‌ی اول در پی تلاش‌های گسترده اسپرانتیست‌کروات ایوو لاپنا (Ivo Lapenna) به ثمر نشست.

از نظر تاریخی پیشنهاد ایران در جامعه ملل درباره زبان اسپرانتو، که در سال ۱۹۲۱ و با کمک اسپرانتودان برجسته سوئیسی دکتر ادمون پریوا ارائه گردید، نقطه آغاز فعالیت‌هایی گشت که نهایتاً منجر به تصویب دو قطعه‌نامه یونسکو گردید: هم‌زمان با تشکیل اولین اجلاس جامعه ملل، نمایندگان ایران پیشنهاد دادند تا زبان اسپرانتو به عنوان زبان مراودات بین‌المللی انتخاب شود. سیلوان زفت (Sylvan Zaft)، که دارای کتاب‌های متعددی به زبان انگلیسی در مورد زبان اسپرانتو است، در یکی از کتاب‌های مشهور خود که تحت عنوان «اسپرانتو، زبان مشترک دهکده جهانی» در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است، در این باره می‌نویسد:

«شانسی بزرگ برای اسپرانتو پدیدار شد، هنگامی که در دهه ۱۹۲۰ میلادی، نمایندگان ایران در جامعه ملل پیشنهاد دادند تا اسپرانتو به عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی پذیرفته شود. در بین این مبحث‌های شديدی به اسپرانتو شد. مخصوصاً هیئت فرانسوی هیاهوی بسیاری ضد این طرح راه انداخت. از نگاه فرانسویان، زبان فرانسه باید زبان بین‌المللی می‌شد. پیشنهاد ایران شکست خورد.»

قطعه‌نامه نخست: ترجمه فارسی قطعه‌نامه نخست، که در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۵۴ در مونته‌ویدئو به تصویب رسید:

«همایش عمومی، پس از بحث و گفتگو درباره گزارش دبیر کل، در مورد درخواست‌نامه بین‌المللی به نفع اسپرانتو.

۱. با توجه به نتایج به دست آمده به وسیله اسپرانتو، در زمینه تبادلات فکری بین‌المللی و نزدیک ساختن مردم جهان به یکدیگر؛ اذعان می‌دارد که این نتایج با اهداف و ایده‌آل‌های یونسکو مطابقت دارد.
۲. توجه عموم را به این مسئله جلب می‌کند که بسیاری از دولت‌های عضو، آمادگی خود را برای وارد ساختن، یا جامع ساختن، آموزش اسپرانتو در مدارس یا مؤسسات تربیتی عالی خود، اعلام کرده‌اند، و بدین وسیله از تمامی دولت‌های عضو، درخواست می‌کند که دبیر کل را از نتایج به دست آمده در این زمینه، مطلع سازند.
۳. دبیر کل را مأمور می‌سازد تا پیشرفت جاری استفاده از اسپرانتو را در علم، تعلیم و تربیت و فرهنگ، دنبال کرده و در راه این هدف، با سازمان جهانی اسپرانتو (UEA)، در امور مربوط به هر دو سازمان، همکاری کند.»

قطعه‌نامه دوم: ترجمه فارسی قطعه‌نامه دوم، که در تاریخ ۸ نوامبر سال ۱۹۸۵ در صوفیه به تصویب رسید:

«با ملاحظه این که در نشست سال ۱۹۵۴ خود در مونته‌ویدئو، توسط قطع‌نامه شماره IV، ۱،۴،۴۲۲-۴۲۲۴ نتایج به دست آمده توسط زبان بین‌المللی اسپرانتو را در زمینه تبادل افکار در سطح بین‌المللی و تفاهم متقابل میان مردم جهان مورد توجه قرار داد، و تأکید کرد که این دست‌آوردها با اهداف و آرمان‌های والای یونسکو هم‌خوانی دارد، با یادآوری این که در این فاصله اسپرانتو به عنوان وسیله‌ای برای تفاهم بین مردم و فرهنگ‌های گوناگون، با نفوذ یافتن در اکثر مناطق دنیا و اکثر فعالیت‌های انسانی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، با اذعان به قابلیت‌های عظیمی که اسپرانتو در جهت تفاهم بین‌المللی و ارتباطات میان مردم ملیت‌های گوناگون عرضه می‌کند،

با ملاحظه سهم بسیار مهم نهضت اسپرانتو، و به‌ویژه سازمان جهانی اسپرانتو (UEA)، در انتشار اخبار و اطلاعات مربوط به اقدامات یونسکو، و هم‌چنین مشارکت آن در این اقدامات، با آگاهی از این امر که یک‌صدمین سال‌گرد اسپرانتو در سال ۱۹۸۷ جشن گرفته خواهد شد،

۱. به نهضت اسپرانتو به‌مناسبت صدساله شدن آن تبریک می‌گوید.
۲. از دبیر کل درخواست می‌کند که پیشرفت اسپرانتو را به عنوان وسیله‌ای برای بهبود تفاهم میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به‌گونه‌ای دقیق و همیشگی دنبال کند.
۳. از دولت‌های عضو دعوت می‌کند تا یک‌صدمین سال‌گرد اسپرانتو را با اقدامات مناسب، صدور اعلامیه‌ها، انتشار تمبرهای ویژه و موارد مشابه گرامی داشته، و وارد ساختن برنامه درسی در باره مشکل زبان و اسپرانتو را در مدارس و نهادهای آموزش عالی خود ترغیب کنند.
۴. به سازمان‌های غیردولتی توصیه می‌کند تا در جشن صدساله شدن اسپرانتو مشارکت کرده و امکان بهره‌گیری از اسپرانتو را به عنوان وسیله‌ای برای انتشار اخبار و اطلاعات، از جمله در باره اقدامات یونسکو، در بین اعضای خود مورد بررسی قرار دهند.

برگرفته از کتاب: الد، ویلیام، احمد رضا ممدوحی، پدیده اسپرانتو: راه حل مشکل زبان بین‌المللی، نشر آروبیج، تهران ۱۳۸۶ (صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳)



سه تصویر تاریخی

- بالا: تصویر پروفیسور ایوو لاپنا (Ivo Lapenna) در نشست عمومی یونسکو در مونته‌ویدئو (وسط عکس)
- سمت راست: تصویر پیام رئیس وقت سازمان جهانی اسپرانتو به مناسبت صدور قطعنامه یونسکو و سال نو میلادی (۱۹۵۵) در نشریه اسپرانتو
- پایین: تصویر سالن کنفرانس پارلمان اروگوئه به هنگام برگزاری نشست یونسکو



Revuo

ESPERANTO

Internacia

N^o 591
Februaro 1955

La venko en Montevideo

KIEL ovjara sabato, certe kun aplaŭdo akceptita de vi ĉiuj, aperis en la januara numero la rezolucio akceptita de Unesko.

La esperantistaro kun entuziasmo apogis la ideon, ke UEA sendu reprezentanton al la konferenco en Montevideo, kaj oferece kontribuis por realigi tion.

Renkontis niajn reprezentanton, D-ron Lapenna, amasoj da obstakloj. Sinj necesigis lukton ĝis la plej lasta momento de la konferenco. Ĝisestreme li devis streĉi siajn fortojn por konduki ĉiujon en la lukton. Plurfoje ĉiuj, ŝajne neeviteblaj, minacis, sed la lerta kondukisto kapablis sekurigi la tutaĵon ĝis la celo. Pri sia komisiio li rakontas en tiu ĉi numero nervo-^{zan} historion.

D-ro Lapenna plenumis sian komision perfekte. Kaj je la reveno en Ĉiĉilon li al ni septu niajn plej korajn kaj sincerajn komplimentojn!

La lukto en Montevideo estas finita. Novaj perspektivoj malfermiĝis. Estas permesate nun resti pozitivaj, meditante pri la venko atingita. Nun devas eluzi la venkon kaj ni ignoras tion, ne vane ekagis. Estas la tasko de vi ĉiuj utiligi la ĉiujon laŭ la plej taŭgaj manieroj. Kaj estas la tasko de UEA subteni, doni konsilojn kaj liveri dokumentojn pri tio. Estas la tasko de la Centro de Esploroj kaj Dokumentado de UEA (=CED), sub gvido de D-ro Lapenna, kiu devos transpreni tiun taskon. Sed la agado de CED rando parte dependas de la mono disponebla. Mi apelacias al vi, ke vi—kiel ĉiuj esperantistoj—faru vian donacon al CED por doni al ĉiuj la necesajn laborojn kiom eble plej amplekse.

Viva Esperanto!

E. Malgouy,
Prezidanto de UEA.

* En tiu numero de nia ĵurnalo aperas detale, kun ĉiuj necesaj dokumentoj, la triumfon de la esperantistaro antaŭ UNESKO en Montevideo. La 1955-aj 50-jaroj de la plenumo de la tasko de tiu historia venko por nia afero. Tiaj rakontoj aperos en la 1955-aj numeroj de nia ĵurnalo. Ĝi kostas 1,50 \$ (1,00 \$) al egaluloj.

کنفرانس

"یونسکو و اسپرانتو: ۷۰ سال همکاری برای

حقوق بشر در حیطة زبان"

به مناسبت هفتادمین سالگرد اولین قطعنامه

یونسکو در مونته ویدئو برگزار می‌شود.



Unesko kaj Esperanto:
70 jaroj da kunlaboro
por lingvaj homaj rajtoj

70a datreveno de la
Rezolucio de Unesko pri Esperanto



۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ روز مهمی برای اسپرانتو است، زیرا هفتادمین سالگرد قطعنامه مونته ویدئو، اولین و مهم‌ترین به رسمیت شناختن رسمی اسپرانتو توسط یونسکو، خواهد بود. این قطعنامه که در سال ۱۹۵۴ توسط کنفرانس عمومی یونسکو در پایتخت اروگوئه پذیرفته شد، به مدیر کل یونسکو توصیه کرد که توسعه استفاده از زبان اسپرانتو را دنبال کند و اذعان داشت که دستاوردهای جنبش اسپرانتو «با اهداف و آرمان‌های یونسکو مطابقت دارد.»

برای جشن هفتادمین سالگرد، اقداماتی در نظر گرفته شده است. به ویژه، کنفرانس "یونسکو و اسپرانتو: ۷۰ سال همکاری برای حقوق بشر در حیطة زبان" در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ از ساعت ۹ صبح به وقت محلی در ساختمان چشمگیری مجلس اروگوئه برگزار می‌شود (در مونته ویدئو، جایی که کنفرانس عمومی تاریخی ۱۹۵۴ نیز در آن برگزار شد).

این همایش شامل سخنرانی (در محل و آنلاین)، نمایش فیلم‌های مستند و اجراهای هنری خواهد بود.

علاوه بر این، مقالاتی ویژه در مجله اسپرانتو منتشر خواهد شد و برنامه‌هایی در مورد قطعنامه و پیشینه تاریخی آن در طول پنجمین کنگره مجازی اسپرانتو (VK) پیش‌بینی شده است.

«آیا بریکس اکنون روح مونته‌ویدئو را دوباره زنده می‌کند؟»

درباره مقاله Ian Fantom که در صفحات ۱۵ تا ۱۹ این شماره درج شده است.

مقاله با عنوان «آیا بریکس اکنون روح مونته‌ویدئو را دوباره زنده می‌کند؟» در پی درج مقالات ویژه بریکس در شماره قبلی مجله و اعلام این شماره به عنوان شماره ویژه هفتادمین سالگرد صدور قطعنامه یونسکو، توسط خواننده گرامی مجله، آقای یان فانتمو تحریر و برای ما ارسال شده است. از آنجا که متن مقاله طولانی بود و امکان درج ترجمه فارسی آن در اینجا میسر نبود، فقط متن اصلی را در مجله برای اسپرانتودانان عزیز منتشر می‌کنیم. برای خوانندگانی که قادر به استفاده از متن اسپرانتوی مقاله نیستند در زیر خلاصه‌ای از محتوای مقاله آورده شده است.

در این متن، نویسنده به تحلیل یک واقعه تاریخی مهم در سال ۱۹۵۴ می‌پردازد که حول تلاش‌های پروفیسور ایو لاپنا (Ivo Lapenna) برای معرفی زبان اسپرانتو به یونسکو می‌چرخد. اسپرانتو، به عنوان یک زبان بین‌المللی، هدفش تسهیل ارتباطات جهانی و ترویج صلح و دوستی میان ملت‌ها بود. اما در این رویداد خاص، لاپنا با چالش‌های جدی و مخالفت‌های شدیدی از سوی برخی از اعضای یونسکو، به ویژه پروفیسور بلینکنبرگ، مواجه شد. بلینکنبرگ در جلسه یونسکو به طور غیرمنصفانه‌ای به اسپرانتو حمله کرد و آن را مورد تمسخر قرار داد. این حمله نه تنها به اعتبار اسپرانتو آسیب زد بلکه جوی از بی‌احترامی نسبت به این زبان و طرفداران آن ایجاد کرد. با وجود این فشارها، لاپنا با عزمی راسخ و روحیه‌ای مقاوم به تلاش‌های خود ادامه داد و سعی کرد تا دیدگاه‌های مثبت درباره اسپرانتو را ترویج کند.

نویسنده به روحیه مبارزاتی لاپنا اشاره می‌کند که او را در برابر این چالش‌ها مقاوم نگه داشت. او این روحیه را "روح مونته‌ویدئو" می‌نامد و آن را با "روح دانکرک" در بریتانیا مقایسه می‌کند که نشان‌دهنده استقامت و پایداری در برابر سختی‌ها است. این مقایسه به نوعی نشان‌دهنده این است که چگونه افراد می‌توانند در شرایط دشوار، امید و انگیزه خود را حفظ کنند و به مبارزه ادامه دهند.

علاوه بر این، نویسنده به حملات بی‌سابقه‌ای که به رهبران سازمان‌های اسپرانتو در آن زمان صورت گرفت، اشاره می‌کند. این حملات می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی در آن دوره تلقی شود. ممکن است برخی از قدرت‌ها در پس‌زمینه این مخالفت‌ها قرار داشته باشند و از نفوذ خود برای جلوگیری از گسترش اسپرانتو استفاده کرده باشند.

در نتیجه‌گیری، نویسنده بر اهمیت مبارزات لاپنا و دیگر طرفداران اسپرانتو تأکید می‌کند. او بیان می‌کند که حتی در برابر چالش‌ها و مخالفت‌های شدید، روحیه انسانی و تلاش برای برقراری ارتباطات بین‌المللی همچنان باید حفظ شود. این رویداد نه تنها نشان‌دهنده دشواری‌های پیش روی زبان‌های بین‌المللی است، بلکه یادآور اهمیت پایداری و همبستگی در تلاش برای ایجاد دنیایی بهتر و صلح‌آمیزتر است. و شاید بتوان درس‌های این واقعه را در مورد تعیین اسپرانتو به عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی در میان کشورهای عضو بریکس نیز به کار گرفت.

Ĉu BRIKS nun revivigos la spiriton de Montevideo?

Ian Fantom
2024-10-18

La venko por Esperanto en Unesko en 1954 ne venis facile. Profesoro Ivo Lapenna, prezentante internacian petskribon al Unesko, skribis ĉiutage notojn pri la eventoj.[1] Li notis, "La sekretario terure mallonge, en 20 sekundoj, diris ke nun oni diskutos pri la Peticio". "Estis normale", li klarigis, "ke post tio mi ricevu la parolon, ĉar, ja, mi reprezentas la subskribintojn, kaj krome antaŭ kelkaj tagoj mi anoncis min. Sed subite petis la parolon, samtempe kun mi, Prof. Blinkenberg. La Prezidanto (Bourgeois) donis al li la parolon kaj mi estas pli ol certa antaŭe interkonsentita. Prof. Blinkenberg diris,

ke li parolas kiel lingvisto kaj en tiu kvalito li asertis ...". Sekvis listo de ofte aŭdataj falsaĵoj pri Esperanto. Li mokis Esperanton kaj ridigis la ĉeestantojn. "Li finis en absolute neserioza atmosfero dirante, ke estus ofendo por Unesko, se ĝi donus ian ajn apogon al Esperanto. Lia celo estis ridindigi la tutan aferon. Li sukcesis. Li sukcesis tial, ĉar li estis terure akra kaj neniu el la ĉeestantoj – krom la esperantistoj – povis kontroli la neobjektivecon, nesciencecon de liaj stultaj, klaŭnaj diroj". Kion Lapenna povus diri reage al tio, en tiu etoso, en tri minutoj? "La rezulto de la voĉdono estis malbonega: 3

por (Meksikio, Ĉinio, Urugvajo), 23 kontraŭ, 19 sindetenoj". Usono voĉdonis kontraŭ. *"Mia opinio estas, ke tiu malsukceso ŝuldiĝas al la atmosfero de neseriozeco kaj ridindeco, en kiu prezentiĝis Esperanto kaŭze de la interveno de Blinkenberg, interveno tute certe organizita de la kliko de malamikoj."*

Urugvaja Esperanto-Societo dissendis leteron al ĉiuj tiaj gazetoj pri la afero. Ili ankaŭ skribis al la dana ĝenerala konsulo, deklarante *"ke pro la ofendoj, kiujn faris Prof. Blinkenberg al la subskribintoj de la Peticio ... la Urugvaja Societo resendis la filmon pri Danlando kaj ne plu deziras prezenti ĝin en la ekspoziciejo"*.

Tio efikis. La postan tagon *"la pleno de la Konferenco, en ĉeesto de ĉiuj delegacioj kaj kun plenŝtopitaj galerioj, akceptis per 30 voĉoj por, 5 kontraŭ kaj 17 sindetenoj (kaj aliaj ne voĉdonis) jenan Rezolucion ..."*, Lapenna raportis.

Kiam Lapenna estis sur la sojlo de malvenko li ne rezignis, sed batalis des pli forte. Tiun spiriton oni konas en Britio kiel 'la spirito de Dunkerque'. En Esperantujo mi nomus ĝin 'la spirito de Montevideo'. En sia lasta periodo kiel Prezidanto de UEA (1971-1974) li ofte parolis ankaŭ pri 'defetismo'. Parolante pri la Estraro de UEA iam en Forumo ĉe La Londona Esperanto-Klubo li deklaris: *"Ili ludas per la afero"*. Kiom la spirito ŝanĝiĝis en malpli ol tridek jaroj!

Riski sian reputacion

Mi devas min demandi, kial respektata universitata profesoro tiel riskus la propran reputacion, parolante tiom aŭtoritatece pri lingvo pri kiu li ŝajne scias nenion. Se temus pri ĉambro da 14-jaraĝuloj oni eble povus pardoni, sed tiu sesio fariĝis tiom ridinda, ke kiam la danaj gazetoj publikigis pri la afero Unesko tiom embarasiĝis, ke ĝi rekunvenis por pli serioze pritrakti la proponon pri Esperanto. Jes, Esperanto havas malamikojn. Sed ĝuste kiuj povus esti tiuj malamikoj? Kiuj potenculoj povus esti malantaŭ tiu kliko?

Ĉirkaŭ tiu tempo furoris senprecedencaj atakoj al gvidantoj de UEA. Ili venis de la usona Esperanto-Asocio de Norda Ameriko (EANA), kiu akuzis pri 'komunista enfiltriĝo' kaj denucis Ivo-n Lapenna, eĉ al la britaj sekurecservoj.

Tio, laŭ alia fonto, prokrastigis lian britan ŝtataniĝon. En Kopenhago en 1956 UEA eksigis ilian sekretarion, George A. Connor. EANA forlasis UEA anticipe al eksigo. Kutime en tiaj denuncokampanjoj la vera motivo estas io alia ol la deklarita. La makartiismo de tiu periodo ŝajne estis uzata por denunci politikajn kontraŭulojn, same kiel en la Okcidento nuntempe islamanoj estas ofte kulpagataj de la 'eminentuloj'. Blinkenberg estis profesoro pri lingvoj ĉe la universitato de Kopenhago, kaj Danlando jam estis en NATO, do ene de la usona influfero. Ĉu povus esti ligo inter la du aferoj?

Mi eltrovis pri la afero Connor nur en 1973, kiam mi traserĉis malnovajn Esperanto-gazetojn por provi trovi la fonton de la disputoj en tiu periodo. Evoluis de 1972 ĝis 1974 kampanjo por 'faligi Lapenna' kiel Prezidanton de UEA. Mi havis amikojn ambaŭflanke kaj sentis min mistifikita pri la tuta afero. La homoj daŭre parolis pri la 'diktatoreco de Lapenna', sed kiam ajn mi petis ekzemplon de lia diktatoreco neniu povis doni. Kiu estis malantaŭ tiu kampanjo, kaj kio estis la vera motivo?

Mi miris kiam mi eltrovis pri la Afero Connor. Jam dum kvar jaroj mi frotis ŝultrojn kun almenaŭ 50 membroj de La Londona Esperanto-Klubo ĉiuvendredvespere, kaj neniu jam menciis tiun aferon al mi. Homoj ne ŝatas paroli pri pasintaj disputoj. Ili erare pensas, ke kiam la afero kvietiĝas tio estas la fino de la afero. Sed ofte leviĝas la sama afero en alia formo, kelkajn jarojn poste. La homoj neniam lernas el la historio.

Frue en 1974 Ivo Lapenna kun sia amiko Harry Holmes vizitis nian hejmon cent kilometrojn norde de Londono. Por la unua fojo mi aŭdis pri lia ideo, ke malantaŭ la kampanjo 'faligi Lapenna-on' estas la komunistoj. Mi pensis, ke tio sonas tro subtila por la sovetia propagando, kaj ke ĝi pli kongruus kun la brita stilo. *"Ĉu povus esti"*, mi demandis, *"ke la nunaj atakoj kaj tiuj de antaŭ dudek jaroj havas la saman fonton?"*. Lapenna respondis ke laŭ li ne, ke li estas *"kaptita inter amboso kaj martelo"*.

Tiu afero kulminis en la retiriĝo de Lapenna kiel kandidato por la Prezidanteco en Hamburgo en

1974. Kiam poste mi renkontis la Prezidanton de Brita Esperanto-Asocio li diris al mi, ke okazas io tia ĉiujn dudek jarojn. *"Kial ĉiujn dudek jarojn?"* mi demandis. Li respondis, ke en tiu tempo la homoj forgesas pri la pasinta okazo. Mi demandis min, ĉu tiu do devas esti ĝenerala leĝo de la socio. Poste mi reformulis tiun regulon, dirante, ke okazas io simila en ĉiu generacio.

Fruaj blinkenbergetoj

Mi mem esperantiĝis en 1958 je aĝo 13, lernis la lingvon je aĝo 16, kaj legis du historilibrojn de Edmond Privat je aĝoj 17 kaj 18. Kelkaj aferoj en la historio de Esperanto ne havis sencon al mi. Kial Markizo Louis de Beaufront insistis, ke Esperanto estas 'nur lingvo'? Kial li tiom sin dediĉis al la afero se li rifutas la 'internan ideon'? Zamenhof insistis, ke la homoj neniam forgesu pri la fundamenta ideo de Esperanto, provi krei pacon en mondo eterne militanta.

Ankaŭ la Ido-Skismo de 1907 estis al mi enigma. Tiu rezultis de komploto de tri franclingvaj profesoroj por embuski Esperanton; la rakonto estis plena de falsigoj, kvankam tion mi komprenis nur jarojn poste. Profesoro Louis Couturat estis respektata profesoro pri matematika logiko. Li pretendis krei komisionon por rekomendi internacian lingvon, kaj listigis multajn instituciojn. Li kreis regulon, ke neniu prezentu sian propran lingvon. Zamenhof petis al Beaufront lin reprezenti, sed Beaufront anstataŭe prezentis sian propran projekton, Ido, pretendante ke ĝi estas Esperanto kun kelkaj modifoj. *"Trompo kaj perfido"* diris Carlo Bourlet kiam li aŭdis pri tio.

Couturat estis ĝis tiam estimata korespondanto de la fama angla filozofo Bertrand Russell, kiu dum iom da tempo interesiĝis pri Esperanto pro korespondado kun li. Sed en sia aŭtobiografio Russell fine skribis: *"Laŭ liaj konversacioj neniuj homoj en la tuta antaŭa historio de la homa raso iam ajn estis tiom malvirtaj kiel la Esperantistoj. Li lamentis, ke la vorto Ido ne facile adaptiĝas al la formado de vorto simila al Esperantisto. Mi sugestis 'idioto', sed li ne estis tute kontenta".*[2] Russell poste hontis, ke li iam ajn prenis Couturat serioze. Kial Louis Couturat riskis perdi sian eminentan reputacion per tiu

'trompo kaj perfido'?

Kial Beaufront perfidis Zamenhof kiam li konsentis reprezenti Esperanton en iu komisiono organizita de Louis Couturat, sed anstataŭe prezentis la propran projekton? Jarcenton poste Beaufront estis ankoraŭ konsiderata 'mistera homo', sed verdire ankaŭ ĉiuj tri profesoroj estis egale misteraj homoj.

Kaj kial Lanti kampanjis interne de UEA sub slogano 'For la Neŭtralismon'? Se li deziris starigi maldekstran Esperanto-asocion kial li ne tutsimple faris tion? La nomo de la nova asocio estis por mi enigma. Kial 'Sennacieca Asocio Tutmonda' anstataŭ io kia 'Laborista Esperanto-Asocio'? Kial Lanti malpermesis ke SATanoj estu ankaŭ membroj de UEA? La du asocioj ne devis esti rivaloj, ĉar SAT ne estis starigita por antaŭenigi Esperanton, sed nur por uzi Esperanton. Dum jardekoj tiuj demandoj restis en mia kapo, nesolvitaj.

Ligo de Nacioj

Estis tamen evidente, ke ĉiuj el tiuj homoj estis franclingvanoj, kaj ke la franca registaro vidis Esperanton kiel rivalon al la franca lingvo, kiun ĝi konsideris la internacia lingvo por diplomatio. Vikipedio koncizigas la historion jene:[3]

Okazis pluraj provoj ĉe Ligo de Nacioj atingi subtenon por Esperanto; ĉefa aktivulo estis Edmond Privat, tiutempe honora jura konsilisto de la persa ĉefdelegito ĉe la Ligo, Princo Arfa; poste Privat estis vicdelegito de Persio ĉe la Ligo. La opinioj pri la sukceso de la afero estas variaj, kelkaj homoj, kiel Ulrich Lins [4] pensas ke la rezultato estas «fiasko» por Esperanto pro persekuto kaj antaŭjuĝo, sed tiutempe multaj, kiel Emile Vandervelde [5], opiniis ke tio estis granda sukceso de Esperanto, ne nur ĉar nia afero estis diskutita de la ĝenerala asembleo, atingante grandan publikon, kiel la raporto de la ĝenerala sekretariaro de la Societo estis favora al Esperanto.

En sia bakalaŭra disertacio Tyron Surmon prezentis tezon ke la komencaj aspiroj de la Esperantistoj rilate al la uzo de Esperanto rapide fariĝis realecaj, kiam ili konstatis la grandan opozicion al Esperanto. Ili ĉefe agadis por la

propaganda valoro. Privat nomis raporton de 1922 *"la plej potenca propagandilo, kiun iam posedis nia movado."*[4] La ideo ke tiu agado estis 'fiasko' venis de historiisto Ulrich Lins, sed Tyron Surmon kritikis lin pro tio. Tiu agado donis altan prestiĝon al Esperanto, kaj neniel povas esti konsiderata fiasko. Tyron Surmon citas el magistra disertacio de Margaret Huber pri la premgrupo por Esperanto ĉe la Ligo.[5] Laŭ ĝi, Privat skribis en letero franclingve, *"la gazetoj estas ege pli gravaj ol la konferenco mem"*. Ŝi raportis ankaŭ, ke la plimulto de la ĉeestantoj de la Konferenco estis membroj de Esperantistaj organizaĵoj, aŭ estis aktivaj simpatiantoj.

Tyron Surmon konkludis, *"la ideo de la Ligo havis profundajn radikojn en la Esperantomovado"*. La ideo estis sub diskuto ekde 1915, kaj la ĉefaj agantoj estis Hector Hodler, Edmond Privat kaj Lordo Robert Cecil, brita pacifisto kaj Esperantisto kiu havis altajn postenojn en politikaj rondoj. Oni povas do vidi per tio, ke la streboj de la Esperantistoj vere multon atingis, kaj ke provoj malgravigi ilin povus denove soni kiel defetismo.

Unuiĝintaj Nacioj

Al mi ŝajnas ke la vera fiasko rilate al La Ligo estis ĝia nuligo en 1946 fare de la aliancanoj. Laŭ Winston Churchill en fama prelego de 1943, *"Oni diras, ke la Ligo de Nacioj fiaskis"*. Li parolis pri la 'senutila pacifismo' de iuj el ĝiaj plej bonaj amikoj, tiel implice implikante la Esperantistojn.

"Imperioj de la estonteco estas imperioj de la menso", li fame deklaris, kaj daŭrigis por la cetero de sia parolado pri BASIC English, dirante, ke *"nenio bone funkcios dumlonge sen la strebo de la popoloj de Britio kaj Usono"*. Tiel li pli-malpli ŝtelis la 'internan ideon', kaj turnis ĝin al strebo al lingva kaj mensa imperiismo anstataŭ por la porpaca celo de la Esperantistoj. [6].

Poste ili malfondis la Ligon kaj fondis Unuiĝintajn Naciojn, en Usono, sur tereno donita de la financisto Rockefeller. Tiel la britusona Establaĵo ekgajnis la dominadon de la organizaĵo, kiu poste sub la sekretarieco de Kofi Annan allasis 'privat-publikajn partnerecojn',

tiel donante al grandaj korporacioj, plej notinde la Fondaĵo Rockefeller, kreskantan voĉon en la aferoj de UN. Tio nun evidentas en la ligoj inter la Monda Organizaĵo pri Sano kaj la farmacia industrio. Grupo de kuracistoj nun kampanjas kontraŭ la Pandemia Traktato, kiu superregas la sansistemon de la membro-ŝtatoj [7]

Venki la klaŭnismon

Certe en La Ligo okazis politikaj intrigoj por kontraŭi Esperanton, sed en UN/UNESKO tiuj politikaj intrigoj fariĝis klaŭnaĵoj. Nuntempe, se oni juĝus laŭ la gazetaraj bultenoj de Universala Esperanto-Asocio oni povus supozi, ke UEA estas nur esperantlingva filio de la anglalingva Monda Federacio de Asocioj por Unuiĝintaj Nacioj (WFUNA).[8] La defetismon mi sentas iagrade ĉie en la Esperanto-movado de la Okcidento, sed tre forte en mia propra lando, kiu ŝajne rezignis pri la antaŭenigo de Esperanto en la landaj edukaj instancoj, sed nuntempe fariĝis preskaŭ nura eldonisto. La cetero restas nun en ruinoj.

En 1980 aperis la Manifesto de Raŭmo ĉe junulara kongreso. La junuloj amase subskribis ĝin, supozante, ke ĝi celas novan aliron al la informado post Frostavallen. Sed en ĝi estis plantita bombo: 'Krizo de Identeco'. [9]

Anonci krizon de identeco estas konata tekniko por dividi kaj venki. En Esperantujo ne ekzistis krizo de identeco, kvankam retrospektive tio povus aludi al la defetismo en UEA kontraste kun la arda laboro de multaj por la celoj de la interna ideo. Dum la naŭdekaj jaroj ni aŭdis pli kaj pli pri 'Raŭmismo', kiu ŝajne estas evoluo de la 'defetismo'. La Esperanta Civito rekte kuraĝigis tiun defetismon. Pli kaj pli oni parolis pri nura 'Esperanto-komunumo'. Mi mem sentas multe malpli forte ian komunumon ol kiam ni ĉiuj kunlaboris por komuna celo.

Miaj propraj streboj nuntempe direktiĝas al la kaŭzoj de militoj kaj rilataj politikaj potencbataloj. En mia grupo Keep Talking (Parolu Plu) mi ne provas propagandi Esperanton, sed mi ja de tempo al tempo parolas pri la streboj de la potenculoj akapari la anglan lingvon por propagandaj celoj. Mi parolas ankaŭ pri la rolo de la lingvo en sento de nacia identeco,

kaj pri la neceso ke diversgentanoj interŝanĝu informojn pri internaciaj konfliktoj. Tiucele mi organizis dulingvan diskuton pri Ukrainio kune kun tri rusoj per retkonekto.[10] Se reviviĝos la Esperanto-movado en la Okcidento, tio verŝajne okazos pro impeto de tiuj kiuj manifestacias kontraŭ militojn kaj tiranecon. Zamenhof, se li vivus nun en Londono, certe pli interesiĝus pri tiu agado ol pri ludoj kaj sociumado ĉe la Esperanto-klubo.

Sed por la revigligo de la monda Esperanto-movado mi rigardas ĉefe al la Brikso-landoj, kie ankoraŭ regas la spirito de Zamenhof. Por eviti politikajn intrigojn, klaŭnaĵojn, kaj pluan blinkenbergadon, necesas ke tiu agado estu la laboro nur de briksanoj. Aliaj, kiel mi, povas eventuale konsili pri la defetismo de la Okcidento, kaj pri la klikoj de malamikoj, kiuj arde subtenas tiun defetismon. Tamen neniu el ni havu potencon en viaj grupoj.

Persio ludis grandan rolon en strebado por Esperanto ĉe la Ligo. Eble nun Irano, kune kun aliaj briksaj landoj, povos renovigi la internan ideon de Esperanto, kaj eventuale reformi Unuiĝintajn Naciojn. Aŭ eble Brikso-landoj finfine sukcesos revenigi La Ligon de Nacioj, kiel mi pledis en artikolo en gazeto The Light. [11]

Mi havas altajn esperojn, ke nun la Briksaj landoj povos renovigi la spiriton de Montevideo.

Referaĵoj

1. 'Esploro kaj Dokumentado', Ivo Lapenna, 2014, Grafokom, ISBN 978-953-7818-06-7 (eldonita okaze de la 60-jara datreveno de la Rezolucio favora al Esperanto, akceptita en la Ĝenerala Konferenco de Unesko en Montevideo, 1954)
2. 'The Autobiography of Bertrand Russell' (La aŭtobiografio de Bertrand Russell), Volumo 1 (1872-1914), p134, Bertrand Russell, 1967, Represo: Routledge, 1985, 750 paĝoj, ISBN 0415189853, paĝoj 135-136.
3. 'Ligo de Nacioj', Vikipedio, 2024-10-15 (laste redaktita) (https://eo.wikipedia.org/wiki/Ligo_de_Nacioj)
4. 'Esperanto ĉe la Ligo de Nacioj', Edmond Privat, Esperanto, n-ro 266 (10), 2022-10, Universala Esperanto-Asocio, paĝo 1 (<https://uea.org/revuoj/esperanto>)
5. 'The Esperanto Pressure Group at the League of Nations 1920-1925' [La Esperanta Influgrupo ĉe

la Ligo de Nacioj 1920-1925], Margaret Huber, Fako de Historio, Universitato de Otavo, Kanado, 1973-11, magistra disertacio, 153 paĝoj. La citaĵo estas sur paĝo 114.

6. 'The Gift of a Common Tongue' [La donaco de komuna lingvo], John T. Hay, International Churchill Society (<https://winstonchurchill.org/resources/speeches/1941-1945-war-leader/the-gift-of-a-common-tongue/>) Inkluzivas la tekston de parolado de Winston Churchill ĉe Harvard, 1943-09-06.
7. 'Rejecting Monopoly Power over Global Public Health: [Malakcepti monopolan potencon super tutmonda publika sano], World Council for Health, 2023-05, PDF, 45 paĝoj, (<https://worldcouncilforhealth.org/wp-content/uploads/2023/06/Rejecting-Monopoly-Power-over-Global-Public-Health.-WCH-Policy-Brief-on-the-Proposed-IHR-Amendments-and-Pandemic-Treaty.pdf>)
8. Retpaĝejo de Word Federation of United Nations Associations [Monda Federacio de Asocioj por UN] (<https://wfuna.org/>)
9. 'Manifesto de Raŭmo', (<https://esperantio.narod.ru/lingve/dok/rauma.htm>) Teksto de la manifesto aprobata okaze de la 36a Internacia Junulara Kongreso, 1980-07-25 – 1980-08-01
10. 'Ukraine: What the Russians say / Ukrainio: Kion diras la rusoj', 9/11 Keep Talking 2022-08, filmeto de diskuto per retkonekto kun tri rusoj (https://odysee.com/@911KeepTalking:d/keptalking_2022-08-04:d)
11. 'Bring back the League of Nations: Its successor the UN is taking over world governance' (Revenigu la Ligon de Nacioj: Ĝia posteulo UN transprenas la mondan regadon), Ian Fantom, The Light, n-ro 37, 2023-09, paĝo 17 (https://thelightpaper.co.uk/assets/pdf/Light-37-Sept-23-Web-Final_2023-09-22-090854.pdf)

Ilustraĵoj



Defetismo, raŭmismo, sabotado. Iuj el ni dum jardekoj provis averti.

Bultenoj de Esperanto-Asocio de Britio n-roj 106 (julio 2024) kaj 107 (oktobro 2024)



Sed ne forgesu pri la 12-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-12). IrEK-12 okazos en aprilo 2025 en du apartaj partoj, ĉeesta kaj reta. Pliaj informoj survojas. Legu en la venonta numero de nia revuo.

Nur kelkaj el la ĉefaj Esperanto-eventoj tutmonde venont-jare.

Por pliaj informoj pri ĉi tiuj eventoj kaj pliaj, vizitu: www.eventaservo.org



درباره قطع نامه ۱۹۵۴ یونسکو و پیامدهای آن

حمزه شفیعی

هدف آن ترویج صلح از طریق همکاری بین‌المللی در آموزش، علم و فرهنگ بود. این سازمان به این حقیقت پی برد که ارتباط، سنگ بنای درک میان ملل است. به همین دلیل، به دنبال راه‌هایی برای تسهیل گفت‌وگو و همکاری فرای مرزهای زبانی بود.

کنفرانس مونته‌ویدئو

در سال ۱۹۵۴، یونسکو کنفرانسی در مونته‌ویدئو برگزار کرد که نمایندگان کشورهای مختلف در آن جمع شدند. این کنفرانس بر موضوع آموزش و ارتباطات متمرکز بود و منعکس‌کننده مأموریت این سازمان برای افزایش درک میان ملل بود. در طول این رویداد، بحث‌هایی درباره نقش زبان‌ها در روابط بین‌المللی و اهمیت ترویج تنوع زبانی شکل گرفت.

قطعنامه

در میان این بحث‌ها، ایده حمایت از اسپرانتو مطرح شد. حامیان استدلال کردند که به عنوان یک زبان بی‌طرف، اسپرانتو می‌تواند به عنوان پلی برای ارتباطات عمل کند و سوءتفاهم‌هایی که اغلب از تفاوت‌های زبانی ناشی می‌شود را کاهش دهد. آن‌ها مزایای آن را برجسته کردند: یادگیری آسان، عدم سوگیری فرهنگی و ترویج برابری میان گویشوران.

در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۵۴، برگزاری این کنفرانس به صدور یک قطعنامه منجر شد که به‌طور رسمی ارزش اسپرانتو را به رسمیت

در سال ۱۹۵۴، رویداد مهمی در مونته‌ویدئو، اوروگوئه اتفاق افتاد که لحظه‌ای کلیدی در تاریخ زبان اسپرانتو، زبان بین‌المللی کمکی که توسط ل. ل. زامنهوف در اواخر قرن نوزدهم ایجاد شده بود، محسوب می‌شود. این لحظه به شکل یک قطعنامه از سوی یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) بود که ارزش اسپرانتو را به عنوان ابزاری برای ترویج درک و ارتباط بین‌المللی به رسمیت شناخت.

زمینه اسپرانتو

اسپرانتو در سال ۱۸۸۷ توسط زامنهوف، پزشک یهودی لهستانی معرفی شد که آرزوی او زبانی جهانی بود که بتواند فاصله‌های فرهنگی و زبانی را پر کند. هدف او ترویج صلح و درک متقابل بین مردم با زمینه‌های مختلف بود. با گذشت زمان، اسپرانتو پیروانی پیدا کرد و جامعه‌ای متعهد به ترویج استفاده از آن در سطح جهانی شکل گرفت.

با وجود پتانسیل‌هایش، اسپرانتو با چالش‌هایی مواجه شد، از جمله شک و تردید از سوی دولت‌ها و زبان‌شناسان محض که زبان‌های ساخته‌شده را غیرواقعی می‌دانستند. با این حال، حامیان آن به ترویج پیام برابری زبانی و بین‌المللی‌گرایی ادامه دادند.

ظهور یونسکو

یونسکو در سال ۱۹۴۵ پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و



شناخت. این قطعنامه بیان کرد که یونسکو باید استفاده از اسپرانتو به عنوان یک زبان کمکی بین‌المللی را ترویج کند، به‌ویژه در زمینه‌های آموزشی، به‌عنوان ابزاری برای تشویق درک و همکاری جهانی.

تأثیر قطعنامه

قطعنامه ۱۹۵۴ یک تصمیم تاریخی بود که اعتبار به اسپرانتو به عنوان یک وسیله قابل قبول برای ارتباط بین‌المللی بخشید. این قطعنامه توجه به اسپرانتو را در سیستم‌های آموزشی و میان سازمان‌هایی که بر دیالوگ بین‌المللی متمرکز بودند، جلب کرد. پس از این قطعنامه، ابتکارات مختلفی به منظور ادغام اسپرانتو در

برنامه‌های درسی آموزشی و ترویج استفاده از آن در کنفرانس‌ها و تبادلات بین‌المللی شکل گرفت.

یکی از نتایج قابل توجه، افزایش تعداد گویشوران و یادگیرندگان اسپرانتو بود. این قطعنامه به تأسیس کلوپ‌ها و دوره‌های آموزشی اسپرانتو در سراسر جهان کمک کرد و حس وجود جامعه‌ی اسپرانتوزبان را میان گویش‌وزن این زبان تقویت نمود. علاوه بر این، این قطعنامه الهام‌بخش ادبیات و تبادلات فرهنگی به زبان اسپرانتو بود و استفاده از آن را غنی‌تر کرد.

چالش‌ها و انتقادات

با وجود استقبال مثبت از این قطعنامه، اسپرانتو همچنان با چالش‌هایی روبرو بود. برخی آن را غیرعملی می‌دانستند و استدلال می‌کردند که زبان‌های طبیعی برای ارتباط مؤثرتر هستند. برخی دیگر آن را تهدیدی برای تنوع زبانی می‌دانستند. با این حال، حامیان بر این نکته تأکید کردند که اسپرانتو قصد ندارد جایگزین زبان‌های ملی شود، بلکه به‌عنوان یک بستر بی‌طرف زبانی برای گفت‌وگو عمل می‌کند.

میراث

قطعنامه یونسکو به نفع اسپرانتو در سال ۱۹۵۴ به عنوان یک نقطه عطف مهم در تاریخ این زبان باقی مانده است. این قطعنامه بر اهمیت برابری زبانی و پتانسیل زبان مشترک برای تسهیل تفاهم بین مردم در زمینه‌های مختلف تأکید کرد. تأثیر این قطعنامه هنوز هم احساس می‌شود، زیرا اسپرانتو همچنان در زمینه‌های مختلف بین‌المللی، از کنفرانس‌ها تا پلتفرم‌های آنلاین، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در سال‌های پس از این قطعنامه، اسپرانتو شاهد شکوفایی فراوانی بود، به‌ویژه با ظهور اینترنت که امکان ارتباط بیشتری را میان گویشوران آن فراهم کرد. دوره‌های آنلاین، گروه‌های رسانه‌های اجتماعی و رویدادهای جهانی مانند کنگره جهانی اسپرانتو (Universala Kongreso de Esperanto) علاقه به این زبان را به طور قابل توجهی ازدیاد بخشید.

نتیجه‌گیری

قطعنامه یونسکو در تمجید از اسپرانتو در سال ۱۹۵۴ تنها یک تأیید رسمی از یک زبان ساخته‌شده نبود؛ بلکه به رسمیت شناختن

نیاز به ابزارهایی برای ترویج درک متقابل در دنیایی است که دارای رشد روزافزون مرتبط بود. این قطعنامه بر این باور تأکید داشت که زبان می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی عمل کند نه یک مانع، رؤیایی که هنوز هم در بحث‌های معاصر درباره ارتباطات جهانی و تبادل فرهنگی طنین‌انداز است. با نگاهی به این قطعنامه، اسپرانتو به عنوان گواهی بر آرزوی مستمر انسان برای اتحاد در میان تنوع باقی مانده است

و اما بد نیست ببینیم چه تأثیراتی بر روی زبان‌های دیگر به دنبال این قطعنامه ایجاد شد؟

قطعنامه یونسکو در سال ۱۹۵۴ در حمایت از زبان اسپرانتو تأثیرات مختلفی بر روی زبان‌های دیگر داشت:

۱. توجه به زبان‌های کم‌گویشور

این قطعنامه به افزایش توجه به زبان‌های کوچک و کم‌گویشور کمک کرد. حامیان اسپرانتو استدلال کردند که زبان‌های ملی باید حمایت شوند و در عین حال زبان‌های جهانی مانند اسپرانتو می‌توانند به تسهیل ارتباطات کمک کنند.

۲. فراگیری چندزبانگی

با تأکید بر اسپرانتو به عنوان یک زبان کمکی جهانی، علاقه به یادگیری زبان‌های دیگر نیز افزایش یافت. افراد متوجه شدند که یادگیری زبان‌های دیگر می‌تواند به درک بهتر فرهنگ‌های مختلف کمک کند.

۳. تنوع زبانی و فرهنگی

قطعنامه بر اهمیت تنوع زبانی تأکید داشت و به نیاز به حفظ و احترام به زبان‌های بومی و محلی اشاره کرد. این دیدگاه به حمایت از زبان‌های بومی و تلاش برای حفظ آن‌ها در برابر زبان‌های غالب مانند فرانسوی و انگلیسی کمک کرد.

۴. توسعه و آموزش زبان

برخی از کشورهای عضو یونسکو شروع به گنجاندن آموزش زبان اسپرانتو در برنامه‌های آموزشی خود کردند که این امر به توسعه روش‌های جدید آموزشی و یادگیری زبان‌ها کمک کرد.

۵. ایجاد شبکه‌های بین‌المللی

با افزایش تعداد گویشوران اسپرانتو، شبکه‌های بین‌المللی از افراد و سازمان‌ها شکل گرفت که به تبادل فرهنگی و زبان‌شناختی بین زبان‌های مختلف کمک کرد.

۶. گفت‌وگوهای بین‌المللی

زبان اسپرانتو به عنوان یک زبان بی‌طرف، به تسهیل گفت‌وگوهای بین‌المللی و کاهش تنش‌های زبانی کمک کرد، که این خود تأثیر مثبتی بر روی روابط بین‌المللی و دیپلماسی داشت.

به طور کلی، این قطعنامه به گسترش ایده‌های مربوط به ارتباطات بین‌المللی و اهمیت زبان‌ها به عنوان ابزاری برای درک متقابل و همکاری کمک کرد.

Anonco pri la Elekto de IrEA-Komitato

Ni informas ĉiujn membrojn de Irana Esperanto-Asocio, ke la elekto de la komitatanoj de la asocio okazos fine de februaro 2025. En ĉi tiu elekto, novaj membroj de la komitato estos elektitaj por la trijara periodo (2025-2027).

Pliaj informoj pri la elekto kaj la rilata tempoplanado estos publikigitaj en la aŭtuna numero de la revuo Irana Esperantisto.



اطلاعيه انتخابات هيئت‌مدیره انجمن اسپرانتوی ایران

به اطلاع کلیه اعضای محترم انجمن اسپرانتوی ایران می‌رساند که انتخابات هیئت‌مدیره انجمن اسفندماه سال جاری برگزار خواهد شد. در این انتخابات، اعضای جدید هیئت‌مدیره برای دوره سه‌ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۶) برگزیده خواهند شد.

از آنجا که طبق اساسنامه انجمن، به ازای هر پنج نفر اعضای انجمن، یک نفر عضو کمیته انتخاب می‌شود و تعداد اعضای انجمن در زمان برگزاری انتخابات ملاک تعیین تعداد افراد عضو هیئت‌مدیره خواهد بود، لذا با موافقت کمیته جاری انجمن، تصمیم گرفته شد به منظور فراهم آوردن امکان مشارکت افراد علاقه‌مند، از همه دوستان دعوت شود که تا زمان شروع فرآیند انتخابات (اول دیماه) با پر کردن فرم مربوطه، به جمع اعضای انجمن بپیوندند و بدینوسیله شرط عضویت انجمن برای شرکت در انتخابات را کسب نمایند. علاقه‌مندان به عضویت کافی است وارد لینک زیر شده و فرم مربوطه را تکمیل نمایند.

<http://www.espero.ir/membrigxo/>

نحوه انتخابات:

۱. ثبت‌نام کاندیداها: کلیه اعضای انجمن که تمایل به کاندیداتوری دارند، می‌توانند از تاریخ اول دی‌ماه تا تاریخ اول بهمن ماه با ارسال ایمیل به همراه فایل بیوگرافی مختصر از سابقه فعالیت‌های اسپرانتویی و اعلام برنامه‌های خود در صورت انتخاب شدن ثبت‌نام کنند.
۲. بررسی صلاحیت کاندیداها: پس از پایان مهلت ثبت‌نام، صلاحیت کاندیداها از لحاظ انطباق با شرایط اساسنامه توسط کمیته انتخابات بررسی و اسامی نهایی کاندیداها در هفته دوم بهمن ماه اعلام خواهد شد.
۳. تبلیغات انتخاباتی: کاندیداها می‌توانند از زمان اعلام اسامی تا پایان بهمن ماه به تبلیغات انتخاباتی خود بپردازند.
۴. زمان انتخابات: انتخابات در هفته اول اسفندماه انجام خواهد شد. کلیه اعضای انجمن می‌توانند از طریق لینک اختصاصی که برایشان ارسال خواهد شد ظرف یک هفته رای خود را به صورت الکترونیکی و به صورت کاملاً مخفیانه وارد نمایند.

شرایط کاندیداتوری:

۱. عضویت فعال در انجمن اسپرانتوی ایران.
 ۲. تعهد به رعایت اساسنامه و مقررات انجمن.
- با توجه به برگزاری دوازدهمین همایش اسپرانتوی ایران در اردیبهشت سال آینده، زمان شروع به کار هیئت‌مدیره جدید پس از پایان همایش مذکور خواهد بود.
- از کلیه اعضای محترم انجمن دعوت می‌شود تا با حضور فعال خود در این انتخابات، در تعیین هیئت‌مدیره جدید انجمن مشارکت نمایند.



مسابقه ایده برای گسترش و توسعه اسپرانتو "Francisco Máñez"

انجمن فرهنگی Ateneo La Alliance، با همکاری تالار شهر چست، بنیاد Cajacheste، گروه اسپرانتیست Lumradio de Cheste و گروه اسپرانتو والنسیا، این مسابقه‌ی رقابت ایده‌ها را با موارد زیر اعلام می‌کند.

۱. هدف مسابقه: هدف این مسابقه ترویج اسپرانتو در سرتاسر جهان است و از همه علاقه‌مندان دعوت می‌کند تا ایده‌های نوآورانه‌ای را ارائه کنند که معرفی، یادگیری و استفاده‌ی آن را ارتقا می‌دهد.

۲. شرکت‌کنندگان: افراد و گروه‌ها یا انجمن‌ها از هر ملیتی می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند. شرکت‌کنندگان باید اطلاعات شخصی خود را، از جمله شماره تلفن، در محتوای نامه و نه در اثر ارسالی بفرستند.

برای حفظ بی‌طرفی در داوری، به هر اثر ارسالی یک شماره شناسایی اختصاص داده خواهد شد.

۳. موضوعات: این آثار می‌توانند از جمله موضوعات زیر را مورد بررسی قرار دهند:

- برنامه‌ها و منابع آموزشی برای یادگیری اسپرانتو.
- ابزارهای دیجیتالی (برنامه‌ها، پلتفرم‌های آنلاین، بازی‌ها و غیره) که استفاده از زبان اسپرانتو را تشویق می‌کنند.
- پروژه‌های فرهنگی که اسپرانتو (تئاتر، موسیقی، ادبیات) را در عرصه فرهنگی کاربردی می‌کند.

- کمپین‌هایی برای ایجاد آگاهی و اشاعه زبان اسپرانتو.

- رویدادهای بین‌المللی که اسپرانتو را ترویج می‌کنند.

۴. ارائه: - آثار باید اورجینال بوده و به صورت دیجیتالی با حداکثر ۳۰۰۰ کلمه با فرمت‌های doc، docx، rtf، odt، یا pdf ارائه شوند.

- همراه با شرح دقیق ایده، اهداف و روش‌های اجرا.

- عناصر اضافی که کار را توضیح می‌دهند، توسعه می‌دهند یا نشان می‌دهند می‌توانند به عنوان ضمیمه پیوست شوند.

- پیشنهادات را می‌توان به زبان اسپانیایی و/یا اسپرانتو ارسال کرد. ارائه به هر دو زبان با امتیاز مثبت ارزیابی خواهد شد.

۵. مهلت و محل ارائه: پیشنهادات باید تا پایان سال میلادی جاری ۲۰۲۴ از طریق ایمیل به آدرس konkursoateneo@gmail.com ارسال شوند.

۶. معیارهای ارزیابی: هیئت داوران بنا به پیشنهاد برگزارکنندگان از متخصصان رشته اسپرانتو، آموزش، ارتباطات و غیره تشکیل خواهد شد. که پیشنهادات را بر اساس معیارهای زیر ارزیابی خواهند کرد:

- جدید بودن و اصالت، امکان سنجی و پایداری پیشنهاد، تأثیر

احتمالی بر گسترش اسپرانتو و وضوح و کیفیت ارائه.

۷. جوایز: جوایز زیر اهدا خواهد شد:

-اول: ۱۰۰۰ یورو، دوم: ۶۰۰ یورو و سوم: ۴۰۰ یورو.

-علاوه بر این، به پیشنهادهای نهایی گواهی داده خواهد شد.

۸. انتشار نتایج: نتایج به‌طور مستقیم از طریق ایمیل به هر شرکت‌کننده اطلاع داده می‌شود و از طریق ابزارهایی که مرتبط در نظر گرفته می‌شوند، به‌ویژه در مجلات اصلی اسپرانتو و از طریق همان ابزارهایی که این قوانین در آن منتشر می‌شوند، منتشر خواهند شد.

۹. حقوق پیشنهادات: شرکت‌کنندگان حقوق مربوط به مطالب ارسالی خود را حفظ خواهند کرد. با این حال، آنها می‌پذیرند که آثار منتخب ممکن است به طور کامل یا جزئی توسط سازمان‌دهندگان مسابقه به منظور ترویج اسپرانتو، با قدردانی مناسب از خلاقیت آنها استفاده شود.

۱۰. نتیجه: تصمیم هیئت داوران غیرقابل فسخ خواهد بود و در صورت صلاحدید می‌تواند هر یک از جوایز را که اعطا نشده است، اعلام کند.

نتیجه‌گیری

از طریق این مسابقه، هدف ما الهام بخشیدن و بسیج جامعه جهانی حول زبان کمکی بین‌المللی اسپرانتو، ترویج تفاهم و همکاری بین فرهنگ‌هاست.

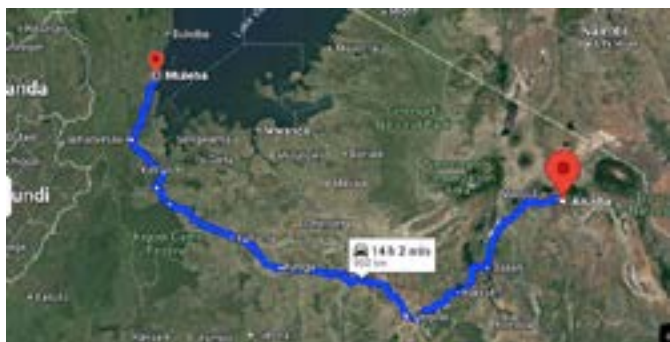
منتظر ایده‌های شما هستیم.

جهت اطلاعات بیشتر و مشاهده متن اطلاعیه، به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

<https://valencia.esperanto.es/eo/kalendaro/konkurso-ideoj-chedeste-2024/>

گلگشت ویژه ما پس از نخستین گردهمایی سالانه اسپرانتو در آروشای آفریقا

گزارشی از «اما برونینگر» - ترجمه: نازی صولت



Noto de la tradukanto: *Tiuj kiuj sekvis miajn esperantajn veturajn memoraĵn publikitajn en deversaj nemeroj de nia revuo jam konatiĝis miajn karajn geamikojn; Emma kaj Didier. Nun ricevinte ĉiun raporton de Emma, mi eksciis ili estis/as aktivuloj en humanistaj aferoj.*

در یک سالن بزرگ و تزئین شده زیبا غذا خوردند؛ گویی یک جشن عروسی بزرگ است. برای تحقق این امر، دولت تانزانیا کمک مالی کرد.



اکنون سرانجام پس از ۱۹ ساعت رانندگی طولانی، به مولبا، شهر کوچک و مرکز منطقه مولبا در منطقه کاگرا به پایتختی بوکوبا، در ساحل غربی دریاچه عظیم ویکتوریا می‌رسیم.

مولبا محل زندگی جان ماگسا (John Magessa) است. او دبیر انجمن اسپرانتو تانزانیا، رئیس سازمان جوانان اسپرانتیست تانزانیا (JETO)، رئیس سازمان جوانان آفریقای شرقی و همچنین عضو باشگاه کوچک روتاری اسپرانتو برزیل است. باشگاه روتاری، افرادی اسپرانتو زبان را به عنوان عضو دارد که در مکان‌های مختلف، حتی در قاره‌های مختلف زندگی می‌کنند و فقط به صورت مجازی می‌توانیم یکدیگر را ملاقات کنیم.

پنج روز آینده را با جان و خانواده دوست‌داشتنی‌اش سپری خواهیم کرد. او زیبایی دریاچه ویکتوریا را به ما نشان داد؛ دریاچه‌ای که آنقدر بزرگ است که احساس می‌کنی در لبه اقیانوس ایستاده‌ای. او مدرسه‌ای که به عنوان معلم زبان انگلیسی

به فرد بود، بسیار متفاوت از همایش‌های دیگر، با فضایی فوق العاده و به خوبی سازماندهی شده بود.

تعداد زیادی از جوانان متنوع‌ترین کشورهای آفریقایی شرکت کردند؛ انگار گردهمایی جوانان بود. حتی بسیاری از آنها برای رسیدن به آروشا ۳ یا ۴ روز با اتوبوس، در راه بودند. بسیاری با تمامی اعضای خانواده آمده بودند.

فضا بسیار مثبت بود، بسیار شاد. آفریقایی‌ها خوشحال بودند که بالاخره فرصت شرکت در گردهمایی جهانی را پیدا کرده و تجربه کردند که اسپرانتو به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط بین مردم متنوع‌ترین کشورها عمل می‌کند.

کمیته محلی گردهمایی یا LKK همایش را به خوبی سازماندهی کرد. البته همه چیز به روانی و آسانی پیش رفت. اما - آیا در گردهمایی‌های جهانی موردی را می‌شناسید که در آن همه چیز واقعاً ۱۰۰٪ بوده باشد؟ من که نمی‌شناسم!

فقط می‌توانم به همه، بخصوص به اعضای کمیته محلی و همه داوطلبان، برای سازماندهی خوب و کار خوب، تبریک بگویم. امیدوارم چند سال دیگر گردهمایی جهانی دوباره در جایی در آفریقا برگزار شود. من از حالا منتظرش هستم.

تغییراتی در روبه معمول گردهمایی جهانی، ایجاد شد؛ به نظرم مهم‌ترین تغییر این بود که دوشنبه شب یک ضیافت گران‌قیمت برگزار نشد، بلکه یک شام مشترک برای همه داشتیم؛ بنابراین هیچ‌کس مستثنی نشد، همه با هم دور میزهای گرد بزرگ

"مولبا" - بالاخره! به مقصد می‌رسیم. به ساعت نگاه می‌کنم. ساعت نزدیک یک صبح است. ساعت ۶ صبح با اتوبوس از آروشا به سمت مولبا در نزدیکی دریاچه ویکتوریا در حدود ۹۵۰ کیلومتری حرکت کردیم.

رانندگی باید ۱۶ ساعت طول بکشد. اما دو ساعت بعد از حرکت، اتوبوس خراب شد. کلاچ خراب شد و ابتدا به صورت موقت تعمیر شد. این کافی بود تا بتوانیم به روستای بعدی برسیم، جایی که کلاچ به درستی تعمیر شد. بنابراین ما ۱۹ ساعت در راه بودیم.

در طول زمان تعمیر کلاچ دیدن این صحنه زیبا باعث خوشحالی‌ام شد!



ما یکشنبه شروع کردیم، یک روز پس از پایان رسمی صدونهمین گردهمایی جهانی؛ اولین گردهمایی جهانی اسپرانتو در قاره آفریقا. خیلی‌ها شک داشتند؛ آیا به خوبی پیش خواهد رفت؟ آیا برگزاری کنگره جهانی اسپرانتو در آفریقا امکان‌پذیر است؟ این یک گردهمایی جهانی واقعاً منحصر

و کیسه‌های مدرسه "زبان سبز" خود را دیدیم



جان یک قطعه زمین در جنوب انبار اجاره می‌کند. برنامه این است که ماه نوامبر در اینجا برنج بکاریم و سپس در ماه مارس/ آوریل سال آینده آن را برداشت کنیم تا برنج خودمان را برای مدرسه داشته باشیم. امید است که برداشت محصول به حدی باشد که حتی برنج هم بفروشیم و با پول آن بتوانیم غذای دیگری برای بچه‌ها بخریم



وقتی می‌رسیم تقریباً وقت ناهار است. بچه‌ها میزهای کوچکشان را به سالن غذاخوری می‌برند، سپس صندلی‌های پلاستیکی کوچکشان را.

بچه‌ها قبل از غذا دست‌های خود را می‌شویند. آب لوله‌کشی در این ملک وجود ندارد. اما یک مخزن آب در این نزدیکی وجود دارد. یک سطل به عنوان سینک عمل می‌کند. معلم روی دست بچه‌ها صابون می‌پاشد. برای شستن دست‌ها زانو می‌زنند. اول کوچولوها، بزرگترها در گوشه‌ای جمع می‌شوند و آواز می‌خوانند. در حال رقصیدن با آهنگ، جلو می‌روند و وقتی شستشوی کوچکترها تمام می‌شوند به سطل می‌رسند پنج یا شش نفر از آنها پشت میزهای کوچک می‌نشینند. بزرگترها می‌روند تا غذایشان را بیاورند. برای کوچولوها غذا آورده می‌شود.

هیچ‌کس شروع به خوردن نمی‌کند، همه منتظر می‌مانند تا آخرین کودک، غذایش را بگیرد. چند کلمه دعا می‌خوانند. بچه‌های مسلمان محله‌های همسایه نیز نماز می‌خوانند



این دومین خانه آجری بزرگتر است، با دیواری زیبا که روی آن می‌توانید تمام حروف الفبا و اعداد ۱ تا ۲۰ را بخوانید.

در آنجا به بچه‌های کوچک آموزش می‌دهند!

برای اینکه مهدکودک بتواند وجود داشته باشد و زنده بماند، باشگاه کوچک و متوسط روتاری اسپرانتو از آن حمایت می‌کند. «هزینه مدرسه» که والدین می‌پردازند کم است. تقاضا زیاد است اغلب والدین هر دو کار می‌کنند، بچه‌ها در خانه می‌مانند و افرادی که از آنها مراقبت می‌کنند، هیچ ایده‌ای از تربیت بچه‌ها ندارند و حوصله کمی برای بچه‌ها دارند. حالا والدین می‌دانند که فرزندشان در این مدرسه در دستان افراد بهتری هستند، در جایی که در طول روز به خوبی از آنها مراقبت می‌شود.

برای تغذیه خوب بچه‌ها در فصل بهار مقدار زیادی کیسه برنج و ذرت خریدند. در بهار قیمت‌های خرید این غذاها در ارزان‌ترین مقدار است.

کیسه‌های ذرت در خانه جان نگهداری می‌شود. کیسه‌ها بسیار خوب بسته شده‌اند و به گونه‌ای محافظت می‌شوند که هیچ حشره‌ای نمی‌تواند به آنها آسیب برساند.



کیسه‌های برنج در یک انبار مخصوص در جنوب مولبا قرار دارند. ما از آن بازدید کردیم

و جغرافیا در آن تدریس می‌کند را به ما نشان داد. با مدیر و چند دانش‌آموز آشنا شدیم. و - این هدف واقعی سفر است - ما در حال بازدید از بهترین پروژه مورد علاقه‌ام در باشگاه روتاری خود هستیم - مدرسه "زبان سبز" ما. ماه‌هاست که مشتاق دیدار با «فرزندانمان» هستیم.

با رسیدن ما، بچه‌ها جان را می‌بینند و احساساتی می‌شوند. همه او را به شدت دوست دارند. معلم‌ها نمی‌توانند جلوی بچه‌ها را بگیرند، آنها به سمت جان می‌دوند، او را در آغوش می‌گیرند و بارها بارها فریاد می‌زنند: "John Magessa، John Magessa".

در سال ۲۰۲۱، جان ایده راه‌اندازی این "موسسه" را داشت. او اجازه یافت اولین خانه چوبی را در زمینی در کنار کلیسا بسازد. "مرکز مراقبت روزانه، به نام Verda Lingvo" در آن زمان با تنها ۳ کودک افتتاح شد.

اولین خانه چوبی!

الان بچه‌های بزرگتر (۴-۶ ساله) در آنجا آموزش می‌بینند.



در این بین، دومین خانه آجری و بزرگتر ساخته شد. در مجموع ۴۲ کودک در حال حاضر در مهدکودک تحصیل می‌کنند. آنها بین ۲ تا ۶ سال سن دارند - از دوشنبه تا جمعه از ساعت ۷ صبح تا ۵ بعد از ظهر.

در آنجا خواندن، نوشتن، شمارش، نه تنها زبان سواحیلی، بلکه انگلیسی (دومین زبان رسمی تانزانیا) و اسپرانتو مقدماتی را یاد می‌گیرند.

صبح که می‌رسند، صبحانه (فرنی/میوه یا مشابه) دریافت می‌کنند. حدود ساعت ۱ بعدازظهر ناهار می‌خورند. برای تعداد کمی از آنها، این‌ها تنها غذایی است که در طول روز دریافت می‌کنند.

سه شرکت کننده بریتانیایی از نیپال (بهارات / پرادیپ / هند) - دیدیر (فرانسوی مقیم آلمان) و من - اما بروینگر با John Magessa.

دیدیر و من قبل از اینکه با اتوبوس به آروشا برگردیم دوپاره از "Verda Lingvo" بازدید کردیم و قلباً از خداحافظی نهایی، غمگین شدیم!



من می دانم که باشگاه ما به خوبی پول خود را در اینجا سرمایه گذاری می کند. برنامه این است: خرید زمین شخصی و ساختن دو یا سه ساختمان مدرسه برای بچه های کوچک پیش دبستانی در آن. بنابراین هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد.



(توضیح مترجم: دوستانی که خاطرات سفرهای اسپرانتویی مرا در فصلنامه انجمن، مطالعه کرده باشند، با "اما" و "دیدیر" آشنا هستند. آنها دوستان قدیمی من هستند و با این گزارشی که "اما" برایم فرستاد، متوجه شدم، آنها هم با یکدیگر آشنا هستند و فعالیت های مشترک انسان دوستانه، انجام می دهند!)



عکس مشترک ما؛ شرکت کنندگان در گلگشت خصوصی ویژه "پس از گردهمایی اسپرانتو".

(در تانزانیا این کاملاً عادی است). حالا شروع به خوردن می کنند و برای ما اروپایی ها به طور غیرقابل تصور، سکوت می کنند، هیچ بچه ای حرف نمی زند! چه نظمی!!!

دسر هم همیشه وجود دارد - یکی از میوه های بسیار خوشمزه کشور: امروز، هندوانه!



آشپزخانه نزدیک است؛ غذا را روی آتش باز می پزند.

ما نمی خواستیم، اما به عنوان "مهمان افتخاری" باید به ما هم غذا می دادند. آن روز برنج با لوبیا بود که بسیار خوشمزه بود.

بعد از ناهار بچه ها در باغ بازی می کنند. از لاستیک های قدیمی با رنگ های زیبا برای دویدن، پریدن و ورزش استفاده می شود.

انجمن اسپرانتوی ایران، نماینده رسمی برای اشتراک مجله موناتو

انجمن اسپرانتوی ایران (IrEA) به عنوان نماینده و واسطه برای اشتراک مجله بین المللی موناتو معرفی می شود. موناتو یک مجله ماهانه معتبر است که مقالاتی در زمینه های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و محیط زیست منتشر می کند. این مقالات توسط اسپرانتیست ها از سراسر جهان نوشته می شوند که دیدگاه های بین المللی و تنوع نظرات را به ارمغان می آورند.

موناتو به دلیل کیفیت بالا و بی طرفی خود شناخته شده است. این مجله به صورت ماهانه منتشر می شود و مقالاتی به زبان اسپرانتو دارد که به راحتی قابل فهم برای همه خوانندگان هستند.

نحوه اشتراک و مبلغ آبوهان

- نسخه کاغذی: مبلغ آبوهان سالانه برای نسخه کاغذی و ارسال زمینی ۴۰ یورو است که برای ارسال هوایی مبلغ ۳ یورو به آن اضافه می شود.

- نسخه دیجیتالی: مبلغ آبوهان سالانه برای نسخه دیجیتالی ۲۳ یورو است. این نسخه شامل دسترسی به نسخه های دیجیتالی مجله (PDF و EPUB) از طریق وبسایت رسمی موناتو می شود.

لازم به ذکر است که از سال آینده نرخ های اشتراک افزایش خواهند یافت و این آخرین فرصت برای اشتراک با قیمت های فعلی می باشد.

انجمن اسپرانتوی ایران از همه علاقه مندان دعوت می کند تا اشتراک مجله موناتو را تهیه کنند و از محتوای غنی این مجله منحصر به فرد لذت ببرند. برای اطلاعات بیشتر و اشتراک، لطفاً با انجمن اسپرانتوی ایران به آدرس info@espero.ir تماس بگیرید.

به یاد داشته باشیم که اشتراک نشریات اسپرانتوزبان، علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی خودمان، کمک و مساعدت برای ادامه حیات این نشریات نیز هست.



همبستگی اسپرانتودانان برای پیشبرد اهداف انساندوستانه

مشارکت اسپرانتودانان جهان در تامین هزینه برای معالجه یک بیمار

دیدن کردند، هر دو بیماری همسر پوینا راولهاریسون و فعالیت مفید او در جنبش اسپرانتو را دیدند. پس از بازگشت به کشورهای خود، آنها با هم در نظر گرفتند که چگونه به او کمک کنند. بعداً اولریش، کیهان و رناتو کورستی تصمیم گرفتند کمپین جمع‌آوری کمک مالی را راه‌اندازی کنند.

کمتر از سه ماه پس از اعلام این خبر، با احساس خرسندی بسیار، از دستیابی به بیش از ۵۰۰۰ یورو مطلع شدیم. در نهایت به دلیل عشق، همبستگی و همیاری اسپرانتیست‌ها، مجموعاً ۶۹۳۸ یورو از ۱۵ کشور دریافت کردیم. این حرکت انسانی آغاز بهبودی ماست. ما به همه شما یک تشکر بزرگ مدیونیم. خداوند به شما اجر دهد برای کاری که کردید.

اکنون در حال برداشتن اولین گام‌ها برای آماده شدن برای عمل جراحی هستیم.

پیشرفت عملیات را که در زمان مناسب انجام خواهد شد به تدریج به اطلاع شما خواهیم رساند.

خیلی ممنون عزیزان!

میورا راولهاریسون»

و به این ترتیب مشارکت اسپرانتودانان جهان یک بار دیگر حس همبستگی و انساندوستی افراد جامعه‌ای را نشان داد که برای صلح و دوستی در سراسر جهان تلاش می‌کنند.

در پایان پیام رناتو کورستی، رئیس اسبق سازمان جهانی اسپرانتو، که برای این کمپین تلاش زیادی کردند شایسته توجه است:

«به خاطر احساس عظیمی که بابت نتیجه به‌دست‌آمده، بیش از ۵۰۰۰ یورو، دارم، از تمامی افرادی که به جمع‌آوری پول برای امکان‌پذیر کردن عمل جراحی برای همسر میورا کمک کردند، صمیمانه سپاسگزارم. من و همکارانم در جمع‌آوری، اولریش ماتیاس، کیهان صیادپور و میورا، به‌خصوص از بسیاری از کمک‌های کوچک که از تمام قاره‌ها، از جمله آفریقا، به ما رسید، تحت تأثیر قرار گرفتیم. خوشحالم که بخشی از این جامعه جهانی هستیم که قلبش برای همبستگی می‌تپد. ما شما را در جریان پیشرفت عمل جراحی قرار خواهیم داد.»

مشروح این خبر را در وب سایت خبری La Ondo de Esperanto می‌توانید بخوانید:

<https://sezonoj.ru/2024/09/kampanjo/>

پوینا راولهاریسون (Poina Raveloharison)، ۵۰ ساله اهل مالاگاسی (ماداگاسکار)، شوهر میورا راولهاریسون (Miora Raveloharison) و پدر جانانان پسر ۱۱ ساله‌شان است. او برای عمل ارتوپدی به کمک نیاز دارد. گروهی از همفکران و دوستان میورا یک کمپین همبستگی راه‌اندازی کردند.

میورا راولهاریسون، اسپرانتودان مشهور و فعال متن زیر را خطاب به اسپرانتودانان جهان نوشت:

«پوینا، همسر، در سال ۲۰۰۰ بیمار شد. او سه سال در بیمارستان بستری بود. ران او درد می‌کرد. در سال ۲۰۱۵ پزشکان گفتند که او نیاز به عمل دارد. با این حال، تا کنون به دلیل کمبود پول نتوانسته‌ایم آن را محقق کنیم. برای ما خیلی هزینه دارد. با این حال، او سعی کرد کار کند. ما به دنبال درمان برای او بودیم، اما متوجه شدیم که در ماداگاسکار حتی عمل لازم را انجام نمی‌دهند. از سال ۲۰۱۹، او دیگر نمی‌تواند کار کند. او نه می‌تواند طولانی بنشیند، نه برای مدت طولانی بایستد و نه می‌تواند بیش از ده متر راه برود. به خاطر آن درد در ران راست بدنش، به زانو متکی بود. در نتیجه زانوهای او شروع به خراب شدن کردند و دیگر نمی‌توانستند خم شوند. او نیاز به تعویض کامل مفصل ران دارد. برای ترتیبات درمان و هزینه‌های سفر و عمل جراحی پوینا در خارج به حدود پنج هزار یورو نیاز داریم.

پیشاپیش از مشارکت شما در این درمان سپاسگزاریم.

وضعیت پوینا آسان نیست. او نمی‌تواند از همسر و پسرش مراقبت کند. او حتی نمی‌تواند برای اطمینان از مراقبت‌های پزشکی کار کند و نمی‌تواند از اعضای خانواده خود مراقبت کند. اگرچه خودش در شرایط سختی قرار دارد، اما همیشه سعی می‌کند به میورا در فعالیت‌های اسپرانتو کمک کند.

با تشکر از دوستان اسپرانتیست برای راه‌اندازی این کمپین.»

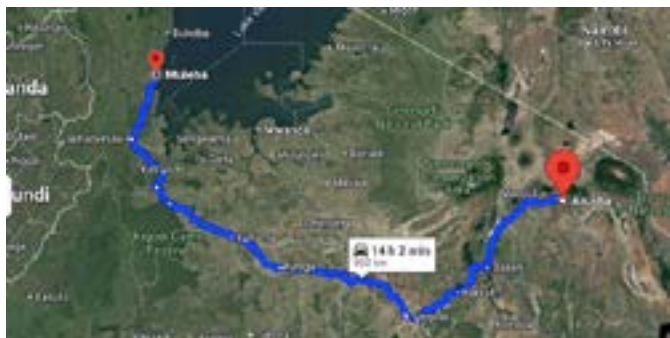
بلافاصله پس از اعلام این خبر و انتشار متن میورا، اسپرانتودانان بسیاری از سراسر جهان آمادگی خود را برای کمک به معالجه پوینا اعلام نموده و مبالغی نیز به حساب‌های اعلام شده واریز شد. پس از چند هفته، خانم میورا متن دیگری را منتشر نمود که بسیار خوشحال‌کننده بود:

«وقتی اولریش ماتیاس و کیهان صیادپور امسال از ماداگاسکار

Nia tre speciala privata postkongreso

Emma Breuninger

Foto: Emma Breuninger



„Muleba“ – finfine! Ni alvenas al nia celo. Mi rigardas la horloĝon. Estas 00:56 h. Je la 6-a matene ni forlasis Aruŝon per buso al Muleba ĉe Viktoria Lago, ĉirkaŭ 950 km da vojo.

La veturado devus daŭri 16 horojn. Sed du horojn post ekveturo la buso paneis. La kluĉilo paneis kaj estis komence riparita en improvizita maniero. Tio sufiĉis por povi veturi ĝis la sekva vilaĝo, kie la kluĉilo estis ĝuste riparita. Ni do estas survoje dum 19 horoj.

Ni ekis dimanĉe, unu tagon post solena fermo de la 109-a Universala Kongreso, la unua UK sur afrika kontinento. Kiel skeptikaj multaj homoj estis antaŭe. Ĉu tio iros bone? Ĉu UK en Afriko eblas?



Dum reparado tiu eta ĉarmulo feliĉigis min!

Ĝi estis vere unika Universala Kongreso, tre malsimila al aliaj, kun belega etoso kaj bone organizita.

Partoprenis multege da gejunuloj el la plej diversaj afrikaj landoj. Kvazaŭ ŝajnis esti Junulara Kongreso. Multaj el ili eĉ veturis dum 3 aŭ 4 tagoj per buso por atingi Aruŝon. Multaj kun tuta familio.

La etoso estis tre pozitiva, tre gaja. Afrikanoj feliĉis finfine havi eblecon partopreni en Universala Kongreso kaj sperti ke jes, Esperanto funkcias kiel komunikilo inter homoj el la plej diversaj landoj.

LKK bonege organizis la kongreson. Kompreneble ne ĉio funkciis glate. Sed – ĉu vi scias pri iu UK dum kiu vere ĈIO funkciis 100%? Mi ne!



Okazis kelkaj ŝanĝoj al la kutima UK-proceduro. La plej grava laŭ mi estis = Lunde vespere NE estis bankedo multekosta, sed komuna vespermanĝo por ĈIUJ. Neniu do estis ekskludita, ĉiuj kune manĝis ĉe grandaj rondaj tabloj en granda, bele ornamita salono – kvazaŭ ĝi estus granda geedziĝfesto. Por realigi tion la tanzania registraro mem helpis finance.

Fine mi povas diri nur: Gratulojn al ĉiuj, speciale al LKK-anoj kaj ĉiuj volontuloj pro la bona organizo kaj bona laboro. Mi esperas ke post kelkaj jaroj UK denove okazos ie en Afriko. Mi antaŭĝojas jam nun.

Nun finfine post longa veturado de 19 horoj

ni atingas Muleba-on, malgrandan urbon kaj ĉefurbon de distrikto Muleba en la regiono Kagera kun ĉefurbo Bukoba, situata je la okcidenta bordo de grandega Lago Viktoria.

Muleba estas la hejmo de John Magessa. Li estas la sekretario de la Tanzania Esperanto Asocio, la prezidanto de Junularaj Esperantistoj de Tanzania Organizo (JETO), la prezidanto de la Orienta Afrika Junulara Organizo kaj ankaŭ membro de nia eta Rotary Club de Esperanto Brasil. Tiu Rotaria Klubo havas kiel membrojn Esperanto parolantajn personojn, kiuj vivas en diversaj lokoj, eĉ sur diversaj kontinentoj. Nur virtuale ni povas renkontiĝi.

Ni pasigos la venontajn kvin tagojn kun John kaj lia aminda familio. John montras al ni la belecon de Lago Viktoria, kiu estas tiel granda, ke oni sentas sin kvazaŭ staranta je bordo de oceano. Li montras al ni la lernejon, kie li instruas kiel instruisto de angla lingvo kaj geografio. Ni ekkonas la direktoron kaj kelkajn studentojn. Kaj – jen la efektiva celo de la vojaĝo – ni vizitas la por mi plej ŝatatan projekton de nia Rotaria Klubo – nian lernejon „Verda Lingvo”. De monatoj mi antaŭgigas ekkoni «niajn infanojn».

Alvenante, la infanoj vidas John kaj emociiĝas. Ili ĉiuj ege amas lin. La instruistoj ne povas haltigi la infanojn, ili kuras al John, brakumas lin kaj krias «John Magessa, John Magessa» ree kaj ree.

En la jaro 2021 John havis la ideon iniciati tiun „institucion“. Sur grundo apud preĝejo li rajtis konstrui la unuan domon el ligno. La „Day Care Centre Verda Lingvo“ malfermiĝis tiam kun nur 3 infanoj.



La unua ligna domo!

Tie nun oni instruas la pli grandajn infanojn (4 – 6-jaraj)

Intertempe oni jam konstruis duan pli grandan domon el brikoj. Entute 42 infanoj vizitas la infan-ĝardenon nun. Ili estas inter 2 kaj 6 jaroj aĝaj – de lundo ĝis vendredo de la 7-a ĝis la 17-a horo.

Tie ili lernas jam legi, skribi kaj kalkuli. Ili lernas krom svahilan ankaŭ la anglan lingvon (dua oficiala lingvo de Tanzanio) kaj bazan Esperanton.

Alvenante matene ili ricevas matenmanĝon (kaĉon / fruktojn aŭ similajn). Proksimume je la 13-a horo ili tagmanĝas. Por ne malmultaj el ili, tiuj estas la solaj manĝaĵoj, kiujn ili ricevas dum la tago.



*Jen la dua, pli granda domo el brikoj
Kun bela muro kie legeblas la tuta alfabeto
kaj la ciferoj de 1 ĝis 20.*

Tie oni instruas la etajn infanojn!

Por ke la infanĝardeno povu ekzisti kaj pluvivi, nia malgranda kaj modesta Rotary Club de Esperanto subtenas ĝin. La «lernejaj kotizoj», kiujn gepatroj pagas, estas malaltaj. La postulo estas granda. Ofte ambaŭ gepatroj laboras. La infanoj restas hejme kaj estas prizorgataj de personoj, kiuj ne havas ideon pri edukado de infanoj kaj malmulte da pacienco kun infanoj. Gepatroj scias ke ilia infano estas en pli bonaj manoj en ĉi tiu lernejo, kie ili estas bone prizorgataj dum la tuta tago.

Por bone manĝigi la infanojn oni aĉetis printempe multajn sakojn da rizo kaj maizo. Printempe la prezoj estas la plej malaltaj por aĉeti tiujn nutraĵojn.



La sakojn de maizo oni stokis en hejmo de John. Ili estas tre bone fermitaj kaj tiel protektitaj, ke neniu insekto povus damaĝi la maizon.



La rizo-sakoj estas en speciala deponejo iom sude de Muleba. Ni vizitis ĝin kaj vidis la sakojn de nia lernejo "Verda Lingvo".

John luas terpecon ĵus sude de la deponejo. La plano estas kultivi rizon ĉi tie en novembro kaj poste rikolti ĝin en marto/aprilo de la venonta jaro por havi propran rizon por la lernejo. Oni esperas, ke la rikolto estos sufiĉe produktema por eĉ vendi rizon kaj per la mono povi aĉeti aliajn manĝaĵojn por la infanoj.



Kiam ni alvenas estas preskaŭ la horo por tagmanĝi. La infanoj portas siajn etajn tablojn en la grandan domon, poste siajn plastajn seĝetojn.

La infanoj lavas siajn manojn antaŭ manĝo. Ne estas fluakvo sur la tereno. Sed estas akvodeponejo proksime. Sitelo servas kiel lavujo. La instruisto ŝprucas sapon sur la manojn de la infanoj. Ili genuiĝas por lavi la manojn. Unue la etuloj. La pli grandaj kunvenas en angulo apude kaj kantas. Dancante laŭ la melodio, ili marŝas antaŭen kaj alvenas al la sitelo kiam la etuloj jam finis.

Kvin- aŭ sesope ili sidas ĉe la etaj tabloj. La granduloj mem iras por ricevi siajn manĝaĵojn. Al la etuloj oni alportas ilin.

Neniu komencas manĝi, ili ĉiuj atendas, ĝis la lasta infano ricevas sian manĝaĵon. Oni preĝas kelkajn vortojn. Ankaŭ muzulmanaj infanoj de najbara kvartalo preĝas (en Tanzanio tute normala). Nun ili komencas manĝi, kaj, por ni eŭropanoj ne imagebla, ili silentas, neniu infano parolas! Kia disciplino!!!

Ĉiam estas ankaŭ deserto – iu de la multaj bongustegaj fruktoj de la lando: hodiaŭ akvomelono.



La kuirejo estas apude. Oni kuiras sur malferma fajro.

Ni ne volis, sed kiel „honoraj gastoj“ oni nepre servis ankaŭ al ni la manĝaĵon. Tiun tagon estis rizo kun fazeoloj, kiu bongustegis.



Post la tagmanĝo infanoj ludas en la ĝardeno. Malnovaj pneŭoj, bele kolorigitaj, servas por kuri, salti kaj ekzerci.

Mi scias, ke nia klubo bone investas sian monon ĉi tie. La plano estas, aĉeti propran terenon, kaj sur ĝi konstrui du aŭ tri lernejajn konstruaĵojn por la malgrandaj antaŭlernejaj infanoj. Do estas ankoraŭ multe por fari.



*Ni – la partoprenantoj de „Nia tre speciala privata postkongreso“
La tri partoprenantoj de UK el Nepalo (Bharat / Pradip / Indu) – Didier (Franco vivanta en Germanio) kaj mi – Emma Breuninger kun John Magessa.*



*Didier kaj mi denove vizitis „Verdan Lingvon“ antaŭ reveturi per buso al Aruŝo.
Tiam animo vere malgajiĝis – definitiva adiaŭo!*

Ni restis tie kelkajn horojn. Adiaŭi ne estis facile. Ĉu ni iam estontece povus reveni?

Ni invitas vin ĉiujn iĝi membro de nia eta kaj modesta Rotary Club de Esperanto Brasil kaj tiel helpi ne nur al lernejo “Verda Lingvo” sed ankaŭ al aliaj sociaj projektoj tutmonde (kontakto: rotaryclubespe-ranto@gmail.com).

Se vi ŝatas subteni „Verdan Lingvon” rekte, bonvolu kontakti John Magessa persone: magessa.john@yahoo.com kaj / aŭ esperanto866@gmail.com.

Mi mem volas danki al ĉiuj kiuj donacis al mi tiom da belaj horoj, aventuroj, kortuŝaj momentoj. Mi esperas povi reveni iam en ne tro fora estonteco.

**Asante Tanzania na asante watu wako wa ajabu!
Dankon Tanzanio kaj dankon al viaj mirindaj homoj!**

Parto de mia animo restas ĉe vi kaj ĉe niaj infanetoj de „Verda Lingvo».



**110-a Universala
Kongreso de Esperanto
Brno/Burno — Ĉeĥio
19-a — 26-a de julio 2025**



چگونه پلاستیک‌ها خورده‌شوند و از بین بروند؟

نوشته‌ی: میرتیس اسمیت (Myrtis Smith)

مترجم: معصومه میرزایی



برای تولید پلاستیک، استفاده از سوخت‌هایی، که گازهای گرم‌کننده‌ی زمین را تولید می‌کنند، ضروری است. اما پلاستیک مفید است، بنابراین به سختی می‌توان استفاده از آن را به کلی حذف کرد. به عنوان مثال، بطری‌های پلاستیکی وزن کمتری نسبت به بطری‌های شیشه‌ای دارند. بنابراین حمل و نقل آنها به انرژی کمتری نیاز دارد و در نتیجه سبب می‌شوند تا گازهای گلخانه‌ای کمتری ایجاد گردند.

در سراسر جهان، سازمان‌های مختلفی در تلاش هستند تا میزان زباله‌های پلاستیکی را کاهش

در اقیانوس آرام یک "جزیره" از زباله‌های پلاستیکی به وجود آمده است. مساحت این جزیره دو برابر کشور فرانسه است.

در سال ۲۰۲۰، صنایع گوناگون ۳۶۷ میلیون تن پلاستیک در سراسر جهان تولید کردند. بیشتر این پلاستیک‌ها پس از استفاده، دور انداخته شدند و در آخرین عمده‌تأ به داخل اقیانوس‌ها راه پیدا کردند. این زباله‌های پلاستیکی در اقیانوس‌ها برای حیات وحش بسیار خطرناک هستند. اغلب مشاهده می‌شود که معده‌ی حیوانات اقیانوسی پر از قطعات کوچک پلاستیک است.

201-F6 خاص است زیرا فقط برای مصرف پلاستیک تکامل یافته است.

میکروب *Ideonella sakaiensis* 201-F6 پلاستیک را در سطح مولکولی تجزیه می‌کند و پلاستیکی جدید با کیفیت بالا از آن تولید می‌کند. این پلاستیک کیفیت بهتری نسبت به پلاستیک بازیافت‌شده به روش معمولی دارد. ولی استفاده از میکروب‌ها تقریباً به اندازه‌ی ساخت پلاستیک با استفاده از روش‌های دیگر، هزینه دارد.

محدودیت‌هایی برای این توانایی میکروب‌ها وجود دارد. آنها همه‌ی انواع پلاستیک را نمی‌خورند. علاوه بر این، میکروب *Ideonella sakaiensis* 201-F6 فقط در دمای بخصوصی می‌تواند فعال باشد. بنابراین نمی‌تواند مشکل پلاستیک ما را به طور کامل حل کند. در حال حاضر، هم‌چنان باید مراقب استفاده از پلاستیک باشیم و فکر کنیم که بعداً چه اتفاقی برای آن خواهد افتاد.

درباره‌ی نویسنده‌ی این مقاله:

خانم میرتیس اسمیت اسپرانتودان آمریکایی، روزها مشغول تدریس مهندسی است و شب‌ها مشتاقانه به کارهای هنری خود می‌پردازد. سرگرمی‌های او شامل نوشتن، رقصیدن، خیاطی‌کردن، پیاده روی و البته اسپرانتو است. او یکی از هم‌کاران دائمی سایت اینترنتی **uea.facila** است (سایتی که این مقاله هم در آن منتشر شده است).

منبع:

<https://uea.facila.org/artikoloj/lega%C4%B5oj/kiel-forman%C4%9Di-plaston-r389/>

دهند. بازیافت، رایج‌ترین راه‌حل است. پلاستیک معمولاً در سه مرحله برای بازیافت آماده می‌شود

۱- پلاستیک‌های گوناگون بر اساس نوع آن‌ها جمع‌آوری و طبق‌بندی می‌شوند.

۲- پلاستیک‌ها به تکه‌های کوچک خرد می‌شوند

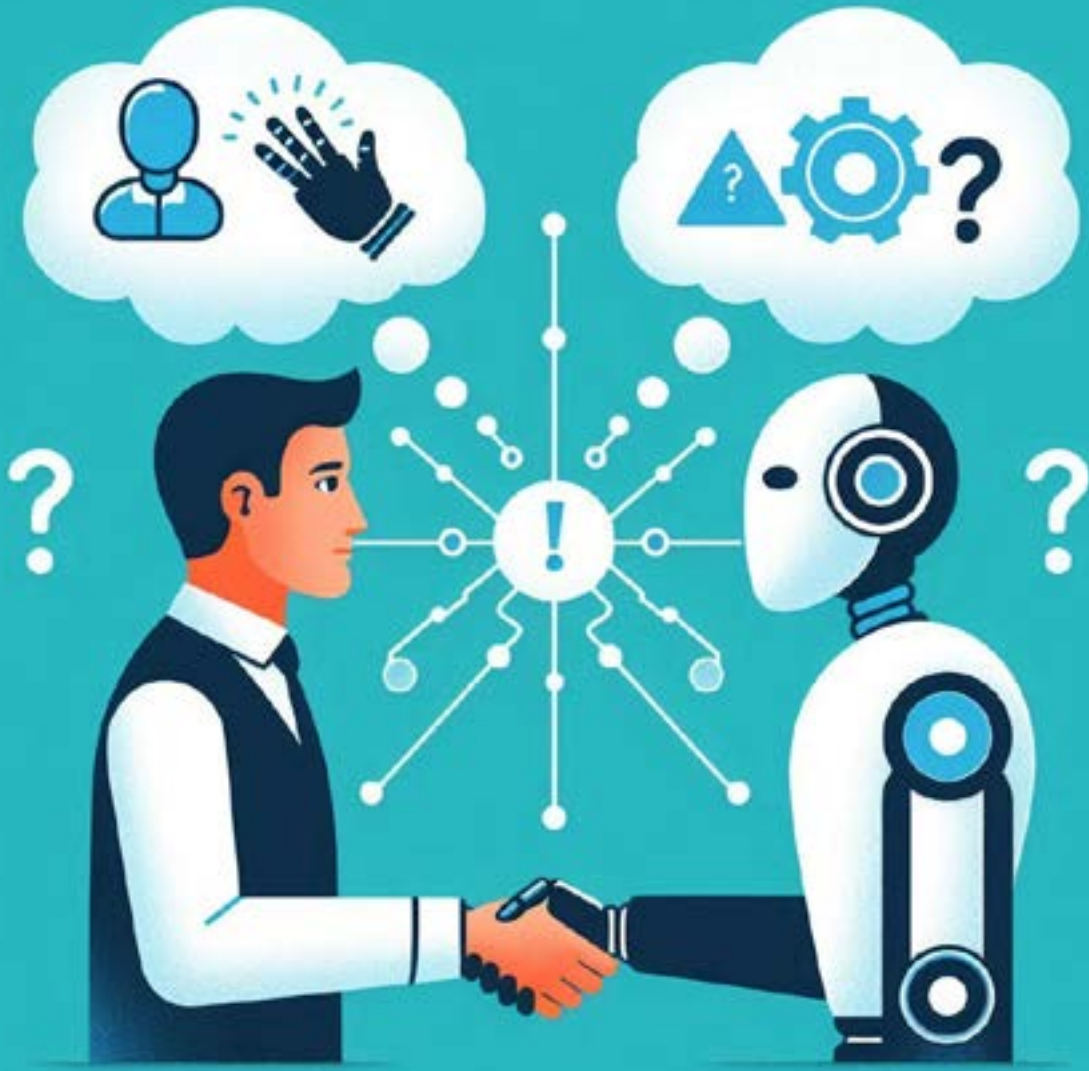
۳- پلاستیک‌های خردشده، ذوب می‌شوند.

سپس می‌توان از پلاستیک ذوب شده برای ساختن چیزهای جدید استفاده کرد. با این حال، با این روش می‌توان پلاستیک را فقط چند بار بازیافت کرد. کم‌کم کیفیت پلاستیک بازیافتی پایین می‌آید. هنگامی که دیگر امکان بازیافت آن وجود نداشته باشد، پلاستیک بازیافتی، سوزانده یا دفن می‌شود. بعداً این زباله‌های پلاستیکی، آب‌های زیرزمینی را آلوده می‌کنند.

ما باید درباره‌ی نحوه‌ی ساخت، استفاده و استفاده‌ی مجدد از پلاستیک، تجدیدنظر کنیم. و برای این منظور باید به سراغ... میکروب‌ها هم برویم.

میکروب‌ها موجودات زنده‌ی بسیار ریزی هستند که در همه‌جا یافت می‌شوند. آن‌ها کوچک‌تر از آن هستند که توسط چشم انسان دیده شوند. آن‌ها در آب، خاک و هوا زندگی می‌کنند. میلیون‌ها میکروب در بدن هر انسان وجود دارد. و اکنون، برخی از میکروب‌ها برای خوردن پلاستیک تکامل پیدا کرده‌اند.

در سال ۲۰۱۶، یک دانشمند، میکروب جدیدی به نام *Ideonella sakaiensis* 201-F6 را کشف کرد. این میکروب می‌تواند روی نوعی پلاستیک به نام PET رشد کند؛ در واقع PET را می‌خورد. این اولین میکروبی نیست که پلاستیک را می‌خورد. میکروب‌های دیگری نیز وجود دارند، اما آن‌ها علاوه بر پلاستیک، چیزهای زیاد دیگری را نیز مصرف می‌کنند. میکروب *Ideonella sakaiensis*



متمانه به هوشی دهستکرد مه که تهنانهت ئه گهر به ئیسیپرانتویش بدویت

به چند پهرهگرافی دارپژراو که به تهواوهتی لهگهل پرسیاره که تا دهگونجیت، ولام دهاته وه. ئه وهنده به باشی لاسایی تواناکانی مروّف دهکاته وه که زیرهک دیاره و تهنانهت به ئیسیپرانتویش ده دویت. زور باشتر له من هه موو ئه مانه پروون دهکاته وه، که وایه با خوئی ولام بداته وه:

به ئشی یه که م

له م دواییانه دا له جیهانی ئونلاین پرۆژه یه کی کرده یی هوشی دهستکرد به ناوی چه ت جی پی تی (Chat GPT) هه راوهوریای ناوه ته وه. ئه وهیش ئامرازیکه که ده توانییت له گه لی بکه ویته قسه کردن، پرسپاری لئ بکهیت یان داوای لئ بکهیت ده قیک بنووسیت و ئه ویش

به زمانی ئيسپيرانتو ژوونی بکه ره وه که تو چیت؟

من یاریده درم، به نامه یه که له لایه ن Open AI دروستکراوه بو یارمه تیدان له ولامدانه وهی پرسیاره کان و ته و اوکردنی ئه رکه کان. من به ده قیقی زور راهینراوم بو تیگه یشتن و ولامدانه وهی پرسیاره جوربه جوربه کان. من که س نیم به لگوو به نامه یه کم که له سه ر کومپیوته ر کار ده کات.

شاره زاییه کانت چین؟

وه که به نامه یه که له لایه ن Open AI راهینراوه، ده توانم له ریگه ی شیکردنه وه و لیکدانه وهی ده قه وه، ولامی پرسیاره کان بده مه وه و ئه رکه کان به جی بیتم. ناتوانم داتا کان ریگه ی یان له وینه و دنگ یان شیوه کانی دیکه ی زانیاری که به شیوازی ده ق نین، تیگه م. ناشتوانم بگه رییم به ئینتیرنیتدا بو ده ستخستی زانیاریه کان چونکه ریگه م نییه پیوه ندی به ئینتیرنیتته وه بگرم. توانا کانم سنوورداره به و شتانه ی که له لایه ن Open AI پیمدراوه.

به کام میکانیزم ده توانیت تیگه ی ت و ولام بده یته وه؟

له ریگه ی به کارهینانی بریکی زور له و ده قانه ی که له کاتی راهیناندا پیمدراوه، ده توانم

تیگه م و ولام بده مه وه. من مؤدیلیکی ئالوزی بیرکاری به کار ده هیتم بو شیکردنه وهی ده ق و دروستکردنی ولام. ئه و مؤدیله ریگه م پیده دا له مانای وشه و رسته کان له چوارچیوهی پرسیاره که یان ئه و ئه رکه ی پیمده دریت تیگه م. کاتیک پرسیاریکم پیمده دریت، ده قه که شی ده که مه وه بو ئه وهی مانا که دیاری بکه م و ولامیک ساز بکه م که به پیی راهینانه کم زورترین سوودی بیت و گونجاوترین ولام بیت بو پرسیاره که. به و جوره ی ده بیینی ئاستی زمانیه که ی ته و او ساده و بی که موکورییه. ئه و به باشی تیده گات و به شیوه یه کی یه کگرتوو به زمانه که مان ولام ده داته وه. ته نانه ت



به رکاریش به بی هله به کار ده هی نیت زور باشتر له زور به مان. ئیستا به ناوه روک هه لیسه نگینه:

ئیسپیرانتو چییه؟

ئیسپیرانتو زمانیکی ده ستکرده و له سالی ۱۸۸۷ له لایه ن لودو فیکو لازارو زامینه و فه وه دروست کراوه. زمانیکی زور ساده و یاسامه نده که ریزمان و وشه سازیه کی روونی هه یه و ئامانجه که ی ئاسانکاریه بو پیوه ندی که سائیک که پاشخانی زمانه که یان جیا وازه. زمانی ئیسپیرانتو له لایه ن خه لکی زوریک له ولاتانی جیهان به کار ده هی نیت بو پیوه ندی گرتن له ئینتیرنیت، نامه گورینه وه و پیوه ندیه تاکه که سییه کان. ئه م زمانه له نیوان ئه و که سانه ی وا ده یانه ویت فییری زمانیکی نوی ببه ن و ئه وانه ی وا ئامانجیان ئاسانکردنه وهی پیوه ندیه له چوارچیوهی ناوده وله تی، زور به ناوبانگه.

ته و او، وا نییه؟ به لام ئه مه سه ره نچرا کیشتین به شی نییه. له وانه یه ئه م ولامه ی له هه ندیک مالپه ری ئیسپیرانتوی یان ته نانه ت له ویکپییداش وه رگرتیت. گوگل خوی له گه رانی ئاساییدا ولامی کورتی له م جوره ده داته وه، که وایه با پرسیاریکی داهینراوتر بکه یین:

چون له کومه لگادا ئیسپیرانتو به ره وپیش ببه یین؟

یه کیک له ریگاکانی پیشخستی زمانی ئیسپیرانتو له کومه لگادا، په روه رده و فیروونی زمانه که یه. کاتیک مروقه کان فییری زمانی ئیسپیرانتو دهن، ده توانن له گه ل ئه و که سانه ی تریش که به زمانی ئیسپیرانتو دهن، پیوه ندی بکه ن و زمانی ئیسپیرانتو له په یقینه کانی روزه یاندا به کار به یین. ئه مه ش بینین و به کارهینانی زمانی ئیسپیرانتو له کومه لگادا زیاد ده کات. ریگایه کی دیکه ی به ره وپیشبردنی زمانی ئیسپیرانتو له کومه لگادا، ریگخستی بونه و کور و کوبونه وه یه بو ئاخپوره رانی زمانه که. ئه مه ش بریتییه له خول، کونفرانس، بونه کولتورییه کان و چالاکیه کانی دیکه که ریگه به

چون دوتوانيت ٺهوه بڪات؟ ٿايا جيگهه متمانهيه؟ وهڪ
بليي بؤ بهرنامهيهڪي پيوهندى راستهقينهيه، تهنانهت
به تهنيا خوي دوابرگهيشي پڇ زياد دهڪات. واش
بير مکهوه که ٺهوهي له شوينيڪ وهرگرتووه: له
گوگل به دواي هنديڪ له رستهکاندا گرام بهلام
له هيچ مالپهريڪدا درنهکهنوتن. ٺهوه دوتوانيت خوي
ٺهونجامگيري بڪات.

ٺيستاهه دممهويت لهگههلي بدويم و داواي لي بکهم
بيرواي خوي دهربرپيت:

پيموايه زامينهوف گه ورهترين بليمه ته له ميژووي جيهاندا

زامينهوف کهسيڪي زور بهتوانا و زيرهڪ بوو، روليڪي
گرينگي ههبوو له پهرهپيداني زماي ٺيسپيرانتو
وهڪ زمانيڪي پلانداوراوي
نيونهتهوهي. چهندين کتيب
و بابتهتي لهسهر زمانهکه
نوسيوه و کاری زوري
کردوهه بؤ بلاوکردهوهي
(زمانهکه) له سهرانسهری
جيهاندا. ههروهها له
بزووتنهوهکانی مافی مروث
و ٺهوه هؤکارانهي ديکه که
پيشاندهري مروثدوستي و
ٺايديايستبونى بوو، چالاڪي
دهنواند. بهلام چونکوو بليمهت
وشهيهڪي زور سهرتره،

ٺهستهمه بليين ٺايا ٺهوهگه ورهترين بليمهته له ميژووي
جيهاندا يان نا. ٺهوهش پيوهندى بهوهوهيه که کام
پيوهر بؤ ههلسهنگاندني بليمهتي بهکار دهينريٺ و
ههروهها به بؤچووني تاکهکهسي ٺهوهکهسهي که له
سهری ددهويت.

ٺهوه له ولامي مروث ناچيت؟ دهگهه بهو بروايهي که
هنديڪ شهيتانوک له نيو کومپيوتهرهکهمدايه و زور
به خيرايي تايپ دهکن (و ريڪ له کاتي تايپکردي
ٺهه، تيگههيشتم که ٺامازهم بؤ AI «وهڪ رهگهزي
پياو» زور هاوشيوهيه بهريزيکه که ٺامرازي تايپکردي
بهکار دهينريٺ)

کاريڪي داهينه رانه

خهڪ دهات به زماي ٺيسپيرانتو بيروا بگورنهوه و
پيکهوه پيوهندى بگرن. ٺهههش کومهلگهه ٺاخيوهراني
ٺيسپيرانتو بههيز دهڪات و هاني خهليڪي زياتر دهات
فيزي زمانهکه بين. جگه لهوهش ٺاگادارکردهوه و
بلاوکردهوهي زانيارى سهبارت به ٺيسپيرانتو له
ريگهه ميداي وهڪ رورژنامه، تهلهفزيون، راديو
و ٺينتيرنيت دوتوانيت يارمهتيدهر بيت بؤ ناساندني
زماي ٺيسپيرانتو به کومهلگا. ٺهههش دوتوانيت بيته
هوي گرينگي پيدان و پشتيواني زياتر بؤ زمانهکه و
له کوتاييدا زيادکردي بهکارهيناني له چوارچيوهيه
چوربهچوردا.

باسي بهرنامهي جهزني زامينهوفمان بؤ بکه له فالادوليدو،

له ١٥ دهسهمبر، کاتزمير ١١
بهدوا:

١١: کردهوهي ٺاههنگهکه به
وتاريڪ له لايهن ميواندارهوه.

١١:٣٠ : پيشکهشکردي
وتاريڪ سهبارت به ميژووي
ٺيسپيرانتو و ٺياني لودوڦيکو
لازارو زامينهوف.

١٢: پيشبريڪي گوراني
ٺيسپيرانتو.

١٣: خواردي ٺههه نيوهرؤ
لهگهل خواردي تايبهته
ناوچهييهکان.

١٤: بهرنامهي روشنبري لهگهل نمايشي موسيqa و
سهما و شانؤ به زماي ٺيسپيرانتو.

١٥: پيشکهشکردي وتاريڪ سهبارت به دوايين
پيشهاتهکانى بزووتنهوهي ٺيسپيرانتو.

١٦: کوربهندي داهاتووي زماي ٺيسپيرانتو و وتوويز
لهسهر رولي زمان له جيهاني ٺههرؤدا.

١٧: داخستني ٺاههنگهکه به سهما و موسيqa بؤ
سهرجهم بهشداربووان.

به پئي پيوستى بهشداربووان و بووني چالاڪي و
پيشکهشکار دهكريت گورانکاری له بهرنامهکهدا بکريت.



به لآم زيرهكى به وه سنووردار نييه. ده توانين ئه ركيكي پي بسپيرين كه كه متر ناسايي بيت؛ با پيشنياري ئه وه بگين ده قيكی ئه ده بي بنووسيت:

چيرۆكيك بنووسه سه بارهت به مشتومزي نيوان لايه نگراني ئيدۆ و لايه نگراني فۆلاپووك له كاتي خۆپيشاندانه كاني سه رشه قام

پوژي پيشاندانه كه گهرم و خوره تاو بوو، شه قامه كان پر بوون له وه كه سانه ي هاتبوون بو ده ربيني بيروپاي خويان و پشتگيري زمانه كه كانيان. له نيو خه لكه كه دا لايه نگراني ئيدۆ بوون كه به و زمانه نيونه ته وه ييه قسه يان ده كرد كه له لايه ن لۆدۆفيكو لازارۆ زامينه وه وه پيشنيار كرابوو، ههروه ها لايه نگراني فۆلاپووكيش كه به و زمانه ده دوان كه له لايه ن يوهان مارتن شلييه روه په رهي پيدرابوو. هه ردوو گرووپه كه زور سوور بوون له سه ر زمانه كه يان، به شه قامه كاندا ده رويشتن و به دروشمان شه ريان بو زمانه خو شه ويسته كه يان ده كرد. به لآم زوري نه خاياند هاوار و قسه كردنه كان پووي كرد له خراپتر بوون و شه ري نيوان لايه نگراني ئيدۆ و لايه نگراني فۆلاپووك له شه قامه كاندا هه لگيرسا. شه ره كه زور توند

دوژمنايه تي و خه ساريكي زوريان له دواي خويان به جييه يشتبوو. ئه وان هه رگيز له و خراپيه ي ده رحه ق به يه كتر و ده ورووبه ريان كرديان، تينه گه يشتن و بي ئه وه ي گوڤيان له ده رنه نجامه كاني (ئه و مملانييه انه) بيت، به رده وام بو زمانه كانيان شه ريان ده كرد.

ئيسئا ئه و هه له بچووكه له به رچاو نه گرين كه زامينه وه ئيدۆي دروست كرد يان دوو سي كه م و كور ي له زمانه كه يدا هه يه. سه رسووره يته ر نييه؟ و ئه و ئه و هه له ي له سي چركه دا چاكسازي كرد، خيرتر له وه ي كه له سه ر شاشه كه ي من ده ركه وت و توانيم بيخوينمه وه و به دلنياييه وه به زه وقتر له توانا تاكه كه سيبه كاني من.

با به په خشانك تاقي بگه ينه وه شيعريك بنووسه ، به ده ديژه وه سه بارهت به نزيكبوونه وه ي زستان و ئه و بارانانه ي وا له كوڤستاني گاليگيو به جيي ده هيليت، به قافيه وه

به م زوانه زستان ديت ، له گه ل با ساره كاني و ئه و بارانانه ي له شاخه كاني گاليگيو ده باريت و له گه لي دا وه رزيكي سه خت و جوان ديت كه ديمه ن و ژياني ناوچه ده گوريت.

داره كان گه لاكانيان له ده ست



ده دن و پووت ده بنه وه

و زه وي سه خت و به سه ته له ك ده بيت

بالنده كان پوو له شوينه گه رمتره كان ده كه ن

و ئازه له كان له كوڤستان له په ناگاكان خويان ده شارنه وه

به لآم سه ره راي سه رما و باران

كوڤستاني گاليگيو به جواني ده مينيته وه

به چيا به رزه كان و دۆله قووله كانيه وه

و به رده وام ئه و مرۆفانه ي وا ئه وينداری سرووشتن بو

لاي خوي پاده كيشيت

بوو، خه لك به پلاكاره كان له يه كترين ده دا. پوليس هه ولي ده ستيوه رداني دا، به لآم له توندي شه ره كه و ژماره ي خه لكه كه سه ري سوور ما. شه قامه كان پر بوون له ده نكي هاوار و زه ري زه نك و هه موو شاره كه شه لژا بوو. له گه رمه ي شه ره كه دا لايه نگراني ئيدۆ و لايه نگراني فۆلاپووك سه رقالی شه ر بوون بي ئه وه ي ئاگاداري زيانه كه ي بن. ئه وان به رده وام بوون له هاواركردن و قسه كردن به زمانه كانيان. ئاگاداري ئه و زيان و ئازارانه نه بوون كه بو يه كتر و خه لكي ده وروبه ر بوويان. له ئاكامدا، پاش چه ند كاتژمير ، شه ره كه كو تايي پي هات و لايه نگراني هه ردوو ئيدۆ و فۆلاپووك شوينه كه يان چۆل كرد له كاتيكا

بویه کاتیک زستان دیت و باران دباریت

له بیرى مه که کویستانی گالیگیو جوانه

و بهردهوام جوانی و دهوله مه دیه که ی ده به خشیت

به و که سانه ی ئه ویندارین و ریژی لی ده گرن.

قسه کردن وه ک شاره زایه ک

به لام ئه وه کیشه ی گوره ی ئه و هوشه ده ستکرده نییه.

گرینگترین بابته که له لیگولینه وه که مدا دوزیمه ته وه

پیوهندی به وه وه یه که هوشی ده ستکرد به راستی

زیره ک نییه، به لام خوی وا نیشان ددهات. با به

پرسیاری تایه تتر تاقی بکه ی نه وه:

وتاریکی کورت له سه ر به کارهینانی زمانی ئیسیپرانتو له

کاتی شه زی ناوخوی ئیسپانیا

بنووسه، نامازه به بلاوکراوه کانی

گؤقاره زانستییه کانیش له خؤ

بگرت

به کارهینانی زمانی ئیسیپرانتو

له کاتی شه ری ناوخوی ئیسپانیا

بابه تیکی زور سه رنجراکیش و

جیگه ی مشتومر بوو. له کاتی

شه ردا زور که س له ئیسپانیا

و ولاتانی دیکه ئیسیپرانتویان

وه ک زمانیک به کار هینا بو

پیوهندیکردن و ئالوگوری

زانباری. ئه وان له نامه و بابته

و بلاوکراوه کانی تردا زمانی ئیسیپرانتویان به کار

دهینا و گروپ و ریخراوه یان به م زمانه دروست

کرد بو گفتگوکردن و کارکردن له سه ر شه په که.

یه کیک له گروپه ناسراوه کانی زمانی ئیسیپرانتو له

کاتی شه ری ناوخوی ئیسپانیا کومه له ی ناودهوله تی

ئیسیپرانتو (IEL) بوو که له سالی ۱۹۰۸ دامه زراوه

و ناوه نده کانی له پاریس و بهرلین بوو. IEL چه ندین

کونفرانس و کوبونه وه ی به زمانی ئیسیپرانتو

ریکخست بو تاوتویکردنی شه ر و بابته کانی دیکه.

ههروه ها IEL گؤقاری «ئیسیپرانتو» و بلاوکراوه کانی

دیکه ی به زمانی ئیسیپرانتو بلاو کرده وه.

ریخراوه کانی دیکه ی زمانی ئیسیپرانتو له کاتی شه ری

ناوخوی ئیسپانیا دا بریتین له «کومه له ی گه لان» و

«ئه نجومه نی ناودهوله تی کریکاران». ههروه ها ئه م

ریخراوانه کونفرانسیان ریکخست و بابته و نامه یان

به زمانی ئیسیپرانتو بلاو کرده وه. ئه وان پشتیوانیان له

لایه نه کومارییه کان کرد له شه ره که دا و کاریان ده کرد

بو بهرگری له ناشتی و مافی مرؤف. به کارهینانی

زمانی ئیسیپرانتو له کاتی شه ری ناوخوی ئیسپانیا دا،

گرنگی زمانه که له پیوهندیکردن و ئالوگوری زانباری

له کاتی مملانیدا نیشان ددهات.

پهنگه به بونه ی هه ندیک سنوورداریتی له دریژه ی

ولامه که، چیرۆکه که ی پچراند، به لام...

بهردهوام به له وتاره که

... ههروه ها به کارهینانی زمانی

ئیسیپرانتو له کاتی شه ری

ناوخوی ئیسپانیا، سهختی

و دژایه تییه کانی به کارهینانی

زمانیکی ناودهوله تی له

سه رده می مملانینی سیاسی و

کومه لایه تیدا نیشاندا. زوریک

له ئیسیپرانتیسته کان به هوی

بوچوونه سیاسییه کانیان و

ههروه ها پیوهندییه کانیان

له گه ل ولات و گروپه کانی

دیکه که وتنه بهر په خنه.

ئیسیپرانتیسته کان له لایه ن

هه ردو و لایه نی شه ره وه به وه تومه تبار کران که له گه ل

یه کیک یان ئه وی تردا بوون و تووشی گوشه گیری و

توله سندنه وه بوون. به کارهینانی زمانی ئیسیپرانتو

له کاتی شه ری ناوخوی ئیسپانیا دا له زوریک له

گؤقاره زانستییه کانا باسکراوه. یه کیک له گرینگترین

بلاوکراوه کان له سه ر ئه م بابته کتیبی «ئیسیپرانتو له

کاتی ناشتی و جه نگدا» نووسینی ویلیام ئوله، ویلیام

ئوله یه کیکه له به ناوبانگترین ئیسیپرانتیسته کان و

یه که مین براوه ی ئیسیپرانتو زمانی خه لاتی نوبله. ئوله

له م کتیبه دا باس له رولی ئیسیپرانتو له سه رده می

شه ری ناوخوی ئیسپانیا و دژایه تی و سهختییه کانی

به کارهینانی زمانه که له کاتی مملانی دهکات. به



کورتی، به کارهینانی ...

تکایه به ردهوام به

... به کارهینانی زمانی ئیسپیرانتو له کاتی شهرى ناوخوی ئیسپانیا، گرینگی زمانه که له پیوه ندیکردن و ئالوگوری زانیاری له کاتی مملانیدا نیشان دهدات. ههروهها نیشاندهری توانای به کارهینانی زمانی ئیسپیرانتویه له چوارچیهی جۆربه جۆر و بۆ مه بهستی جیاوان. به لام سهختی و دژایه تییهکانی به کارهینانی زمانی نادهولهتی له سه ردهمی مملانیی سیاسی و کومه لایه تیش دهردهخات. شهرى ناوخوی ئیسپانیا یه کیک بوو له رووداوه گرینگهکانی میژووی زمانی ئیسپیرانتو و بههیزبوون و سنوورداربوونی زمانه کهی له کاتی قهراندا خسته روو.

نایا ده توانیت ئاماژه به سه رچاوه کان سه بارهت بهم بابته بکهیت؟

کتیبی «ئیسپیرانتو له کاتی ناشتی و جهنگدا» نووسینی ویلیام ئۆلد یه کیکه له بلاوکراوه گرینگهکان له سه ر به کارهینانی زمانی ئیسپیرانتو له کاتی شهرى ناوخوی ئیسپانیا. کتیه که له زۆربهی په رتووکخانه و په رتووکفرۆشییهکان و

ههروهها ئینتیرنیتیش ده سته که ویت. ئه گه ر زانیاری زیاتر له سه ر ئه و بابته ده ویت، ده توانیت له ئه رشیقی گوڤاره ئه ده بییهکان یان له ئینتیرنیتدا بگه ریت یان له که سیک که زانیاری زیاتری له سه ر بابته که ههیه، په رسیار بکهیت.

که سیک که زانیاری زۆری دهربارهی به کارهینانی

زمانی ئیسپیرانتو له شهرى ناوخوی ئیسپانیا دا نییه (بابه تیک که راسته، و من خۆم دهقی جۆربه جۆرم له سه ری نووسیوه که ده توانن له م مالپه رهدا بی دۆزنه وه) و ههست دهکات که هۆشه که (هۆشی ده سترکرد) بابته که ده زانیت و ده توانیت زانیارییه که وه ربگریت و له کۆتاییدا ته نانهت له م ده قه ش بۆ نووسینی بابته تیک وهک ئه رکی قوتابخانه یان (به دلناییه وه له داها تودا) بۆ رۆژنامه یه ک که لک وه ربگریت. و لامه که ئه وه نده تاییه ته که به دلناییه وه بپوات به وهیه له سه ر بنه مای سه رچاوه گونجاوه کان دانراوه. به لام ئه گه ر که مینک له و بابته بزانیته، تیده گهیت که ته نیا شته گشتیهییه کان دهرکینیت. و باسی له دهکات گوایه هه ر دوو لا له شه ره که دا زمانه که یان به کارهیناوه (ئه وه به راستی له م

شه ره تاییه ته دا رووی نه داوه)، باسی ئه و ریکخراوانه دهکات که له راستیدا به شدارییان له و رووداوه دا نه کردووه، ناوی به ره مینک داده هینیت و ده یگه رینیتته وه بۆ که سیک که به ئیسپیرانتو دهینوسی، به لام نهک سه بارهت به م بابته...

ئه وهی پهی ده گوتریت زیرهک، له و که سانه ده چیت که له بازنه ی دۆستانه دا (یان له دییه ییتیکی ته له فزیۆنیدا!)

ده سته که ن به دهر بپینی بیروبوچوون له سه ر هه ر بابته تیک که ته نیا نیوهی له ده زانن. ئه و خۆنوینه.

سه رچاوه:

<http://www.delbarrio.eu/blo/2022/12/arta-inteligento-en-esperanto/>



بمناسبة الذكرى السبعين لصدور قرار اليونسكو لدعم الإسبيرانتو

الإسبيرانتو في اليونسكو

تمت مناقشة موضوع الإسبيرانتو عدة مرات في جدول أعمال اليونسكو، المنظمة التعليمية والعلمية والثقافية للأمم المتحدة. منذ عام ١٩٥٤، حافظت الجمعية العالمية للإسبيرانتو (الموجودة في روتردام، هولندا) على علاقاتها الرسمية مع اليونسكو، حيث تقدم تقارير منتظمة، وتشجع أعضائها والجمعيات التابعة لها على التعاون بنشاط مع اليونسكو لتحقيق الأهداف المشتركة.

في مناسبتين منفصلتين، خصصت المؤتمر العام لليونسكو قرارًا خاصًا للإسبيرانتو. كان القرار الذي صدر في المؤتمر العام الثامن (مونتيفيديو، ١٩٥٤) نتيجة حملة استمرت عدة سنوات تم تنسيقها من قبل الجمعية العالمية للإسبيرانتو، وخاصة من قبل عضو مجلس إدارتها، إيفو لابنا. أما قرار الذكرى اليوبيلية الذي تم اعتماده في المؤتمر العام الثالث والعشرين (صوفيا، ١٩٨٥) فكان ثمرة ثلاثين عامًا من التعاون والاتصالات الجيدة بين عدد من الوفود الوطنية. تشكل هذان القراران معًا أبرز اعتراف بقيمة الإسبيرانتو من قبل منظمة دولية مهمة.

على الرغم من أن المؤتمر العام السابع والعشرين الذي عُقد في عام ١٩٩٣ أعاد مناقشة الإسبيرانتو، إلا أن القرار الداعم الذي اقترحه إيطاليا لم يُقبل، وبقي كوثيقة عمل.



١,٤,٤٢٢٢.IV - يُقر بأن هذه النتائج تتماشى مع أهداف ومبادئ اليونسكو

١,٤,٤٢٢٣.IV - يُلاحظ أن عدة دول أعضاء قد أعربت عن استعدادها لتقديم أو توسيع تعليم اللغة الإسبيرانتو في مدارسها ومؤسسات التعليم العالي، ويطلب من هذه الدول الأعضاء إبلاغ المدير العام بالنتائج التي تحققت في هذا المجال

١,٤,٤٢٢٤.IV - يُحول المدير العام لمتابعة التقدم الجاري في استخدام الإسبيرانتو في التعليم والعلوم والثقافة، ومن أجل ذلك التعاون مع الجمعية العالمية للإسبيرانتو في الأمور المتعلقة بكلتا المنظمتين

القرار ١٩٥٤

المؤتمر العام لليونسكو، الجلسة الثامنة. مونتيفيديو (أوروغواي)، ١٩٥٤.

تم اعتماد القرار في ١٠ ديسمبر ١٩٥٤ خلال الجلسة العامة الثامنة عشرة

١,٤,٤٢٢.IV - المؤتمر العام، بعد مناقشة تقرير المدير العام بشأن الطلب الدولي لصالح اللغة الإسبيرانتو (٣/AC/PRG)

١,٤,٤٢٢١.IV - يُولي اهتمامًا للنتائج التي حققتها الإسبيرانتو في مجال العلاقات الفكرية الدولية وتقريب شعوب العالم

القرار ١٩٨٥

المؤتمر العام لليونسكو، الجلسة الثالثة والعشرون. صوفيا (بلغاريا)، ١٩٨٥.

تم اعتماد القرار في ٨ نوفمبر ١٩٨٥ خلال الجلسة العامة السادسة والثلاثين

١١،١١ - الاحتفال بالذكرى المئوية للإسبرانتو.

المؤتمر العام،

إذ يُشير إلى أن المؤتمر العام في جلسته عام ١٩٥٤ في مونتيفيديو، بموجب القرار ١٩٨٥-٤، ٤٢٢٤-١، ٤، ٤٢٢٤.IV، قد أبدى اهتمامًا بالنتائج التي حققتها اللغة الدولية للإسبرانتو في مجال التبادل الفكري الدولي والتفاهم المتبادل بين شعوب العالم، وأقر أن هذه النتائج تتماشى مع أهداف ومبادئ اليونسكو

وإذ يتذكر أن الإسبرانتو قد حقق تقدمًا ملحوظًا كوسيلة لتعزيز التفاهم المتبادل بين الشعوب والثقافات المختلفة على مدى هذه الفترة، وقد تأثر في معظم مناطق العالم وفي معظم الأنشطة الإنسانية

وإذ يعترف بالإمكانات الكبيرة للإسبرانتو في تعزيز التفاهم الدولي والتواصل بين الشعوب ذات الجنسيات المختلفة

وإذ يأخذ في الاعتبار المساهمة الكبيرة لحركة الإسبرانتو، وخاصة الجمعية العالمية للإسبرانتو، في نشر المعلومات حول أنشطة اليونسكو وكذلك مشاركتها في هذه الأنشطة

وإذ يدرك أنه في عام ١٩٨٧ ستحتفل الإسبرانتو بذكرها المئوية،

١. يُهنئ الذكرى المئوية لحركة الإسبرانتو.

٢. يطلب من المدير العام متابعة تطوير الإسبرانتو كوسيلة لفهم أفضل بين الأمم والثقافات المختلفة

٣. يدعو الدول الأعضاء للاحتفال بالذكرى المئوية للإسبرانتو بترتيبات مناسبة، وإعلانات، وإصدار طوابع بريدية خاصة، وما إلى ذلك، والتوجه نحو تقديم برنامج دراسي حول مشكلة اللغة والإسبرانتو في مدارسها ومؤسسات التعليم العالي

٤. يوصي بأن تنضم المنظمات الدولية غير الحكومية للاحتفال بالذكرى المئوية للإسبرانتو وتفكر في إمكانية استخدام الإسبرانتو كوسيلة لنشر أنواع المعلومات المختلفة بين أعضائها، بما في ذلك المعلومات حول أنشطة اليونسكو



UNESCO and Esperanto:
70 years of collaboration
on linguistic human rights

70th anniversary of the
UNESCO Resolution on Esperanto
(Montevideo, 10 December 1954)



اليونسكو والإسبرانتو:
٧٠ عامًا من التعاون
في مجال حقوق الإنسان اللغوية

الذكرى السبعون
لقرار اليونسكو بشأن الإسبرانتو
(مونتيفيديو، ١٠ ديسمبر ١٩٥٤)



Amantaj Speguloj

Kiel maro mi amas, sed mi estas vidata kiel marĉo
Nur en sonĝo videblas iu, kiu amas pli ol mi!

Vi estas tiu pesimisma fiŝo, kiu pro la malbona sorto del' fiŝkaptisto
Ĉion, kio estas en la maro, vidas kiel hokon

Ne ĉiu ŝatanta moviĝanta estaĵo estas amanto
Ĉar amanto ĉiam vidas sian koron senpacienca

Dio laŭ mia vidpunkto estas vi en la formo de homo
Dio estas vidata de ateisto en la formo de altaro

Mi estas tiu viro, kiu estas sola forlasita de sia amato
Kiu delonge vidas vian rideton en kadro

Ĉies vidpunkto pri la nokto enhavas signifon
Unu vidas absolutan mallumon, alia vidas lunlumon

Pentigu min ne resti fiksrigardanta en speguloj
Ĉar miajn okulojn vidas spegulo dronantaj en akvo!

Poeto: Inĝeniero Alireza Hosseini
Tradukis D-ro Salah Mohammadpour

آینه‌های عاشق

چو دریا عشق می ورزم، مرا مرداب می بیند
کسی عاشق تر از من را فقط در خواب می بیند
تو آن ماهی بدبینی که از بخت بد صیاد
هر آن چیزی که در دریاست را قلاب می بیند
به هر جنبنده‌ی دل‌بسته‌ای عاشق نباید گفت
که عاشق قلب خود را دائماً بی تاب می بیند
خدا از دیدگاه من تویی در قامت انسان
خدا را بی خدا در قالب محراب می بیند
منم آن مرد از معشوقه دور افتاده و تنها
که مدتهاست لبخند تو را در قاب می بیند
نگاه هر کسی نسبت به شب حاوی مفهومی است
یکی تاریکی مطلق، یکی مهتاب می بیند
مرا از خیره در آینه‌ها ماندن پشیمان کن
که چشمان مرا آینه غرق آب می بیند

شاعر: مهندس علیرضا حسینی (استان فارس، شهرستان زرگان)